



فقر و تهیدستی زنان و کودکان

در جهان و ایران

مرجان افتخاری

اوت ۲۰۱۰

صفحه	
۲	مقدمه
۳	تعریف فقر و تهیدستی به زبان ساده
۴	فقر و رابطه آن با هزینه های مواد مصرفی
۵	عوامل موثر در تعیین فقر و تهیدستی در کشورهای ثروتمند
۵	بیکاری
۶	شهرها و نواحی ثروتمند و فقیر
۷	فقر و تهیدستی در کشورهای جهان سوم
۷	رشد جمعیت
۹	مستعمره میراث تاریخی
۱۰	وضعیت سیاسی
۱۲	شاخصهای اندازه گیری فقر و تهیدستی
۱۵	شاخص رشد انسانی (Indicateur de Développement Humain IDH) شاخص رشد جنسیت انسانی (Indicateur Sexospécifique du Développement Humain ISDH)
۱۶	فقر بازنشستگان
۱۷	فاجعه های طبیعی
۱۸	نتایج روانی و اجتماعی فقر
۱۹	فقر کودکان
۲۲	کودکان کار
۲۸	آمار دیگری در مورد کودکان کار و تاریخ کوتاهی در مورد آن
۲۹	بهره برداری جنسی از کودکان
۲۹	کودکان سرباز
۳۰	کودکان کار در ایران
۳۲	کودکان خیابانی
۳۳	کودک همسری
۳۴	وضعیت و شرایط اقتصادی زنان
۳۴	کار زنان و تبعیضهای جنسیتی
۴۴	بیکاری و فقر زنان
۴۶	بیکاری، اعتیاد و تن فروشی سه معضل گریبانگیر زنان در ایران

تا کنون پژوهش‌های با ارزشی در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در رابطه با وضعیت زنان و مشکلات آنها ارائه شده است. فعالین جنبش زنان بررسی‌های تحلیلی روشنی از قوانین حقوقی تبعیض آمیز و غیر انسانی، دلایل گسترش فرهنگ و روابط مردسالارانه در جامعه و نقش رژیم حاکم در این راستا ارائه داده اند. سرکوب‌های حقوقی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که در طول سی و یک سال استقرار رژیم جمهوری اسلامی بطور مرتب تولید و باز تولید شده اند را موشکافانه مطرح کرده اند. ولی در زمینه وضعیت و شرایط اقتصادی، بیکاری، فقر و تهیدستی زنان کار کمتری ارائه شده است. این بیان به مفهوم نا دیده گرفتن کارهای تحقیقی و پژوهشی در زمینه افزایش تن فروشی، بیکاری و همینطور افزایش تعداد کودکان کار و یا کودکان خیابانی و وضعیت اسفبار زندگی آنها که به شرایط اقتصادی مربوط میشوند نیست. آنچه که پیش رو دارید تلاشی است تکمیلی همراه آمار و ارقام که فقر عمومی و شرایط زندگی زنان و کودکان را تا آنجا که امکانات اجازه میدهد در کشورهای دیگر و ایران مورد بررسی قرار دهد. زیرا عیلرغم تفاوت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی وضعیت اقتصادی زنان در ایران را نمیتوان بطور مجرد و جداگانه از مجموعه جهانی در نظر گرفت.

درست است که در نظام سرمایه داری همیشه ستم طبقاتی، بیکاری، فقر، تهیدستی و بی عدالتی وجود داشته و خواهد داشت، ولی در همین نا کجا آباد سرمایه داری شرایط زندگی مردم در کشورهای پیشرفته سرمایه داری با کشورهای عقب مانده یا به اصطلاح در حال رشد و یا کمتر رشد یافته کاملاً متفاوت است. فقر و تهیدستی کارگران، زنان و کودکان در اروپای غربی با درد و رنج، مرگ و میر، سوء تغذیه مزمن، عدم دسترسی به امکانات پزشکی، داروئی و بهداشتی مردم در قاره آفریقا و آسیا قابل مقایسه نیست. در این مناطق اساساً مقوله ای بنام "رفاه اجتماعی" هیچ معنی و مفهومی ندارد. در اینجا برای میلیون‌ها نفر که از گرسنگی رنج می کشند "زنده ماندن" به هر قیمتی واقعیت دردناک زندگی آنها است.

باز در همین کشورها، آنچه که مبارزه برای دست یابی به حد اقل‌های لازم برای زندگی را مشکل میسازد وجود رژیم‌های دیکتاتوری یا استبدادی-مذهبی است، مانند کشور خودمان ایران که علاوه بر هزینه های سرسام آور ارگانها و نهادهای نظامی و سرکوبگر، غارت ثروت ملی، رشوه خواری، فساد مالی، احتکار و هرج و مرج هم در افزایش فقر بیشتر مردم بی تاثیر نیستند.

در مورد زنان به غیر از تبعیض، نابرابری، ستم و استثمار سیستم سرمایه داری فاکتورهای دیگری میتوانند در وضعیت اقتصادی آنها دخالت داشته باشند. از جمله سیاست دولتها، مسائل فرهنگی، سنتی، مذهبی هم در تشدید فشارهای اقتصادی و در نتیجه فقر و نداری بیشتر زنان نقش موثری دارند.

از همان ابتدا، جمهوری اسلامی برای نهادینه کردن هویت اسلامی خود در جامعه، سیاست‌هایی مبتنی بر کنار گذاشتن زنان از روابط و مناسبات اقتصادی، اجتماعی و در نتیجه خانه نشینی آنها بکار گرفت. در طول این سالها به اشکال و شیوه های مختلف (قانونی و غیر قانونی) حیطه فعالیت اقتصادی و اجتماعی زنان محدود شد. و امروز کاهش ساعات کار زنان چیزی نیست جز ادامه همین سیاست و در نتیجه فقر و فلاکت بیشتر زنان بویژه انهایی که به تنهایی سرپرستی خانواده را بعهده دارند. بی مورد نیست که در سالهای اخیر با افزایش تن فروشی، تعداد کودکان خیابانی و کودکان کار روبرو هستیم. افزایش سیر عمودی این پدیده ها و نابهنجاریهای دیگر اجتماعی چون تکدی، سرقت، اعتیاد، قتل و امثال آن بازتاب طبیعی و منطقی وخامت اوضاع اقتصادی و افزایش فقر و تهیدستی است

قبل از مطالعه توجه شما را به چند نکته جلب میکنم. اولاً دسترسی به آمار و ارقام کشورهای دیگر امری است غیر ممکن. به همین دلیل از داده های سازمانهای بین المللی، بانک جهانی، سازمان جهانی کار، فرم اقتصاد جهانی و یونیسف استفاده شده است. زیرا تنها این نهادها و ارگانها هستند که امکانات آماری را در اختیار دارند. در ضمن در تمام کتابهای نوشته شده و یا تحقیقات اقتصادی از آمار همین ارگانها و یا مراکز رسمی آماری استفاده شده است.

ثانیاً این ارگانها طبیعتاً از زاویه طبقاتی مسائل را مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار نمیدهند. بطور نمونه زمانی که از خط فقر و یا زیر خط فقر صحبت میشود، آمار ارائه داده شده وضعیت عمومی و کلی را ترسیم میکند. در هیچ یک از داده ها هیچ اشاره ای به کارگران و یا زنان کارگر دیده نمیشود. در حالی که خط فقر برای کارگران با توجه به سطح دستمزد و سطح زندگی آنها با کارمندان متفاوت است.

آخرین نکته در مورد سیستم آماری جمهوری اسلامی است. این رژیم بدلیل سیاسی یا از ارائه آمار در سطح داخلی و بین المللی سر باز زده و یا آمار غیر واقعی و ساختگی را منتشر کرده. به همین دلیل ما با داده های کاملاً متفاوتی از طرف مراکز رسمی، مسئولین کشور و فعالین سیاسی، اجتماعی روبرو هستیم.

تعریف فقر و تهیدستی به زبان ساده

در ابتدا بهتر است تعریفی ساده از فقر و تهیدستی داده شود تا نگاهی مشخص در مورد این پدیده داشته باشیم. به بیان ساده فقر یعنی نداشتن امکانات کافی و مناسب برای رفع احتیاجات ضروری زندگی. به تعریف دیگر، نداشتن در آمد متناسب با هزینه ها و مخارج ضروری مثل تهیه مواد غذایی، مسکن و پوشاک، بهره برداری از امکانات پزشکی، بهداشتی و سلامتی، دسترسی به ایاب و ذهاب و یا هر امکان دیگری که برای زندگی روزانه ضروری و حیاتی هستند.

با توجه به این تعریف اقتصاد دانان فقر و تهیدستی را به دو دسته تقسیم کرده اند. فقر مطلق و فقر نسبی که از نظر تئوری کاملاً منطقی به نظر میرسند. فقر مطلق یعنی فقدان کامل امکانات لازم برای تامین نیازهای اصلی و پایه ای زندگی، در حالی که فقر نسبی کمبود امکانات برای رفع نیازهای روزانه تعریف شده است. بر اساس همین تعریف و با توجه به داده های آماری فقر مطلق در بعضی از مناطق جغرافیائی مثل اروپا گزارش نشده است. در حالی که در بعضی از نقاط آفریقا و یا در کشورهای پرجمعیت مانند هند و چین از فقر مطلق صحبت میشود. در رابطه با فقر اصطلاحات دیگری مانند در آستانه خط فقر یا زیر خط فقر هم بکار برده میشوند که باز در رابطه با کشورهای مختلف و با توجه به نسبت در آمد سالانه متوسط اقشار و طبقات متفاوت است. مثلاً در سال ۲۰۰۸ در آمریکا آستانه فقر را در آمدی کمتر از ۳۰ دلار در روز برای یک نفر و در فرانسه ۹۰۸ یور در ماه برای یک نفر اعلام کردند. همانطور که اشاره شد در تمام کشورهای دنیا دو سیاست از طرف دولتها اعمال میشود. اول آنکه مفهوم طبقاتی خط فقر یا آستانه خط فقر در بررسیهای اقتصادی حذف شده، در حالی که در سراسر دنیا کارگران، زحمتکشان و تهیدستان (زن و مرد) بیشتر با فقر و نداری روبرو هستند، بخصوص در شرایط بحرانیهای اقتصادی.

سیاست دوم، احتراز آنها از اعلام سقف مالی در مورد آستانه خط فقر و همچنین ارائه آمار دقیق تعداد افرادی که در آستانه و یا زیر خط فقر زندگی میکنند. مثلاً در ایران فعالین کارگری و یا فعالین سیاسی

آستانه خط فقر را ۹۰۰ هزار تومان برای کارگران پیش بینی میکنند در حالی که وزیر کار یا بودجه رقی در این مورد اعلام نمیکند.

در آمد خالص (در آمدی که مالیات آن پرداخت شده است) تعیین کننده قدرت خرید محسوب میشود برای اکثریت مردم، فقر یعنی نداشتن در آمد کافی و یا نداشتن قدرت خرید متناسب با قیمت کالاها. سطح در آمد کارگران، زحمتکشان و کارمندان که اکثریت مردم را تشکیل میدهند با سطح در آمد کادرها، مدیران و صاحبان شرکتهای قابل مقایسه نیست و در نتیجه نمیتوان از قدرت خرید بعنوان یک موضوع "عمومی" صحبت کرد. در همین رابطه سطح و کیفیت زندگی طبقات و اقشار پائینی جامعه موضوعی است که کمتر مورد توجه قرار میگیرد.

فقر و رابطه آن با هزینه های مواد مصرفی

میزان مصرف هم یکی از فاکتورهای تعیین کننده فقر و تهیستی و شاخص دیگری است برای اندازه گیری آن. در اینجا مصرف به تمام کالاها اعم از مواد غذایی، درمانی، بهداشتی، پوشاک و غیره اطلاق میشود. طبق فرمول $R = C + E$

در آمد برابر است با مصرف + پس انداز. زمانی که در آمد کافی و متناسب برای خرید و مصرف وجود نداشته باشد ما با پدیده فقر روبرو هستیم. برای روشن شدن موضوع نگاهی داشته باشیم به میزان پنج مورد از هزینه های مصرفی و ضروری زندگی در فرانسه.

هزینه های اساسی هر خانواده فرانسوی بطور متوسط به % ۱

هزینه ها	۱۹۶۰	۱۹۷۰	۱۹۸۰	۱۹۹۰	۲۰۰۰	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	% تغییرات سالانه بطور متوسط بین ۲۰۰۸-۱۹۶۰
مواد غذایی	۲۷,۵	۲۰,۸	۱۶,۴	۱۴,۹	۱۳,۸	۱۲,۹	۱۷,۰	۱۲,۶	۱,۹
پوشاک	۱۰,۱	۸,۳	۶,۱	۵,۴	۴,۲	۳,۶	۵,۰	۳,۴	۱,۷
مسکن	۹,۷	۱۴,۵	۱۵,۴	۱۶,۱	۱۸,۱	۱۹,۴	۱۸,۰	۱۹,۵	۳,۸
بهداشت و درمان	۱,۹	۱,۷	۱,۶	۲,۳	۲,۵	۲,۶	۴,۰	۲,۸	۵,۵
تفریحات و سرگرمیها	۶,۱	۶,۷	۶,۹	۶,۸	۷,۲	۷,۲	۷,۳	۶,۹	۴,۹

مقایسه هزینه های اقشار و طبقات مختلف در فرانسه در سال ۲۰۰۶

اقشار و طبقات	مواد غذائی %	مسکن %	تفریحات و سرگرمیها %
کارمندان	۱۴,۳	۱۹,۳	۷,۹
کارگران	۱۵,۹	۱۸,۵	۷,۶
بازنشستگان	۱۸,۷	۱۷,۳	۹,۳
کادرها	۱۲,۴	۱۲,۳	۱۰,۸

همانگونه که ملاحظه میشود در هر دو جدول در صد بالائی از درآمد به مسکن اختصاص داده شده که فشار سنگینی برای کارگران و کارمندان است. به همین دلیل آنها مجبورند از هزینه سرگرمیها، تفریحات و تعطیلات یا هزینه های بهداشتی و درمانی برای جبران این هزینه سنگین بکاهند تا تناسب و تعادلی بین درآمد و هزینه های مصرفی بوجود آورند. در ضمن تجربه و تحقیقات آماری در سراسر دنیا نشان داده است که مردم نیازهای اصلی خود را بر اساس درآمدشان به ترتیب زیر طبقه بندی میکنند.

۱- مواد غذائی ۲- پوشاک ۳- مسکن ۴- بهداشت و درمان ۵- ایاب و ذهاب ۶- تعطیلات، تفریحات و سرگرمیها. ولی آیا همیشه قیمت کالاهای مصرفی بویژه مواد غذائی بر اساس درآمد مردم تعیین میشود؟ اگر چنین است ظاهراً نباید با پدیده گرسنگی در بعضی از کشورهای دنیا و یا حتی تنگدستی در کشورهای بزرگ صنعتی روبرو شد. در همین رابطه کیفیت مواد غذائی و بطور کلی مواد مصرفی هم باید بطور طبیعی یکی از فاکتورهای تعیین کننده باشد. ولی این موضوع کمتر در آمارها در نظر گرفته میشود، مانند میزان گوشت مصرفی (قرمز یا سفید).

عوامل موثر در تعیین فقر و تهیدستی در کشورهای ثروتمند

۱- بیکاری

بیکاری اولین عامل و یا مهمترین فاکتوری است که در رابطه با فقر و تهیدستی میتواند مورد ارزیابی قرار گیرد. البته این موضوع به آن معنی نیست که کسانی که کار میکنند در فقر و تهیدستی بسر نمیرند. ولی در مجموع هم در کشورهای سرمایه داری پیشرفته و هم در کشورهای عقب مانده یا جهان سوم، بیکاری یکی از عوامل مهم در رابطه با فقر و تهیدستی است. در کنار بیکار، باید کسانی را هم که به کارهای نیمه وقت، فصلی، موقتی و قراردادی اشتغال دارند در ارزیابی از فقر در نظر داشت. این دسته از مردم که معمولاً کارگران و زحمتکشان شهر و روستا هستند در آمد کافی برای رفع نیازهای روزانه خود ندارند. فقر و تهیدستی در بین این گروه از مردم موضوعی است دائمی و همیشگی. معمولاً دولتها این گروه را از آمار بیکاران حذف و آنها را جزء شاغلین محسوب میکنند تا به این وسیله از آمار بیکاری بکاهند. غیر از دو مورد بالا، بیماری دراز مدت یا طولانی (بیش از یک سال) نداشتن محل زندگی مشخص و ثابت (آوارگی) بیسودای یا تحصیلات بسیار پائین، افرادی که تنها

زندگی میکنند (بویژه زنان)، کهولت و ناتوانی همه عواملی هستند که در تعیین فقر و تهیدستی دخالت دارند.

تغییرات بیکاری در چند کشور بزرگ سرمایه داری^۲

در صد بیکاری										کشور
۲۰۰۹	۲۰۰۸	۲۰۰۷	۲۰۰۶	۲۰۰۵	۲۰۰۴	۲۰۰۳	۲۰۰۲	۲۰۰۱	۲۰۰۰	
۷,۷	۷,۳	----	۸,۷	۹,۵	۹,۵	۹,۶	۸,۶	۷,۴	۷,۵	آلمان
۸,۱	----	----	۶,۳	۶,۸	۷,۲	۷,۶	۷,۲	۷,۲	۶,۸	کانادا
۱۰,۱	۷,۸	۸,۶	۹,۱	۹,۵	۹,۷	۹,۴	۸,۷	۸,۷	۹,۴	فرانسه
۸,۵	۶,۲	----	۶,۴	----	۶,۳	۵,۶	۴,۹	۴,۰	۴,۷	سوئد
۳,۴	----	----	۴,۵	۴,۵	۴,۴	۴,۱	۳,۰	۱,۹	۲,۰	سوئیس
۱۰,۲	۴,۸	۴,۵	۴,۷	۵,۱	۵,۵	۶,۰	۵,۸	۴,۸	۴,۰	آمریکا
۵,۷	----	۳,۹	۴,۱	۴,۴	۴,۷	۵,۳	۵,۴	۵,۰	۴,۷	ژاپن

۲- شهرها و نواحی ثروتمند و فقیر

در تمام دنیا در کشورهای بزرگ سرمایه داری و یا در کشورهای جهان سوم امکانات و تسهیلات کار و زندگی بطور نا برابر تقسیم شده اند. معمولاً در شهرهای صنعتی، تجاری و توریستی که از امکانات بیشتری برخوردار هستند، برای ساکنین آسان تر کار و در نتیجه در آمد ایجاد میشود. بر عکس شهرهایی که بدلائل سیاسی این امکانات به آنها داده نشده، یا بعلت آب و هوایی، ساکنین آنها از نظر اشتغال و در آمد با مشکل مواجه هستند. بطور نمونه در بلژیک، شهر وال و نیک (Wallonic) از نظر اقتصادی در مقایسه با بورکسل (Bruxelle) فقیر محسوب میشود. یا شهر صنعتی و تجاری Basel در سوئیس با شهر Yverdon در همین کشور از نظر اقتصادی و امکانات کاری قابل مقایسه نیست.

در کشورهای جهان سوم این نابرابری و تفکیک امکانات شکلی کاملاً عریان دارند. در ایران، شهرهای تهران، تبریز، اصفهان، آبادان، اهواز، شیراز جزء شهرها و مناطق ثروتمند و مهاجر پذیر محسوب میشوند. تمرکز کارخانجات تولیدی و مراکز صنعتی، تجاری و حتی مراکز توریستی در این مناطق به مراتب بیش از نواحی دیگر کشور مثل استانهای سیستان و بلوچستان، کردستان و چهار محال بختیاری است.

این عدم تناسب و نا برابری تقسیم ثروت ملی، امکانات اقتصادی و زندگی بین مناطق جغرافیایی و یا شهرهای مختلف قبل از اینکه دلایل آب و هوایی، یا دوری و نزدیکی به دریا، بندر و غیره داشته باشد بیشتر ریشه های تاریخی و سیاسی دارند. در بعضی از مناطق آفریقائی حتی مسائل نژادی، قومی و مذهبی هم دخالت دارند.

فقر و تهیدستی در کشورهای جهان سوم

واژه های در حال رشد یا کمتر رشد یافته که در چند دهه اخیر بکار برده میشوند بیشتر جنبه سیاسی داشته و تغییری در اوضاع و شرایط اقتصادی این کشورها و مردم آن ندارند. آنچه که اهمیت دارد ۱۵۰ کشور از ۲۰۰ کشور جهان جزء کشورهای فقیر محسوب میشوند که تمام و یا بخشی از مشخصه های کشورهای فقیر را دارند. از بین عواملی که میتوانند در فقر و تهیدستی در کشورهای جهان سوم دخالت داشته باشند در اینجا تنها به سه عامل مهم اشاره میشود.

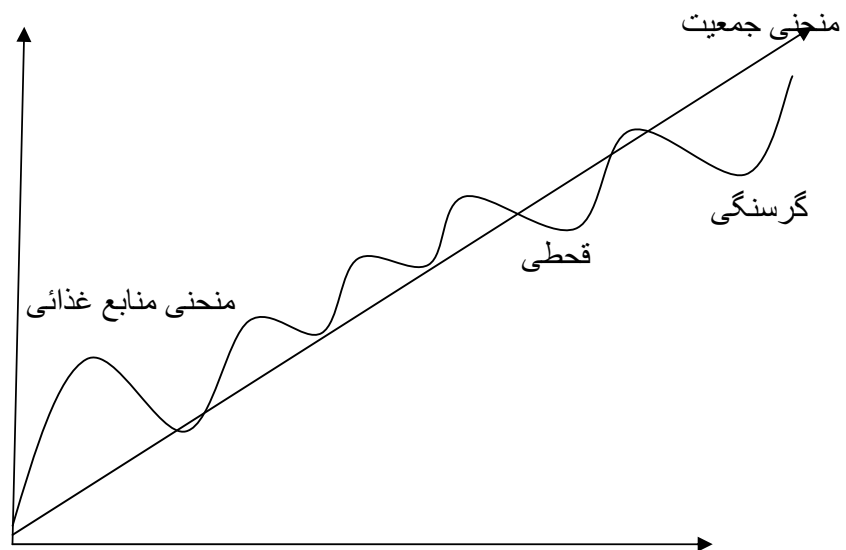
۱- رشد جمعیت

اولین فاکتوری که فقر را در این کشورها تعریف میکند رابطه بین میزان مواد غذایی و رشد جمعیت یا (Démographie-alimentaire) است. عدم تعادل بین رشد جمعیت و منابع غذایی اولین شاخص برای اندازه گیری و بررسی فقر و تهیدستی در نظر گرفته شده. فاکتورهای دیگر مانند عوامل طبیعی خشکسالی، سیل، زلزله، طوفان و غیره را هم که منجر به کمبود مواد غذایی یا قحطی و گرسنگی در این یا آن منطقه میشوند باید در نظر داشت.

کشورهای جهان را میتوان در رابطه با رشد جمعیت تقریباً به سه دسته تقسیم کرد.^۴

- ۱- کشورهای ثروتمند که رشد جمعیت آنها رقمی بین صفر تا ۱٪ در سال است.
- ۲- کشورهای در حال توسعه یا (جهان سوم) که رشد جمعیت بین ۱٪ تا ۲,۵٪ است.
- ۳- کشورهای فقیر یا اصطلاحاً (جهان چهارم) که رشد جمعیتی بیش از ۲,۵٪ در سال دارند.

منحنی زیر رابطه بین رشد جمعیت و کمبود مواد غذایی را بطور کلی مشخص میکند.



همانگونه که ملاحظه میشود زمانی که منحنی منابع مواد غذایی زیر منحنی جمعیت قرار میگیرد ابتداء مردم با قحطی و یا کمبود شدید مواد غذایی روبرو میشوند و در صورت ادامه چنین وضعیتی مردم با مشکل گرسنگی روبرو خواهند شد. گرسنگی و سوء تغذیه بیشتر در کشورهای جهان سوم بویژه در کشورهای آفریقائی مشاهده میشود و هر ساله تعداد زیادی از مردم بویژه کودکان در اثر گرسنگی، سوء تغذیه و بیماریهای ناشی از آن میمیرند. در ماه مارس سال ۲۰۰۸ قبل از بحران اقتصادی ۸۷۵ میلیون نفر با گرسنگی روبرو بودند. و هر سال بین ۲ تا ۵ میلیون کودک کمتر از ۳ سال از گرسنگی و سوء تغذیه میمیرند.

طبق داده های آماری، رشد جمعیت ۳٪ در سال مترادف است با دو برابر شدن جمعیت در طول ۲۵ سال. در این صورت فقر و تهیدستی، کمبود مواد غذایی و یا سوء تغذیه به درجه ای که اصطلاحاً "غیر قابل تحمل" نامیده میشود افزایش میابد. تنها مواد غذایی و کمبود آن نیست که با بحران روبرو میگردد بلکه کار، مسکن، آموزش و پرورش، بهداشت و درمان مردم نیز دچار بحران شدید میشوند. تعداد کسانی که از تغذیه نامناسب و سوء تغذیه رنج میبرند کم نیست. تخمین زده میشود که در حال حاضر یک میلیون و ۸۷۵ تا یک میلیارد نفر با سوء تغذیه و گرسنگی در سطح جهانی روبرو هستند. و باز گفته میشود که از هر ۸ نفر یک نفر با گرسنگی روبرو است. سوء تغذیه و گرسنگی بیشتر در کشورهای جهان سوم دیده میشود. ولی سوء تغذیه در کشورهای پیشرفته صنعتی هم در حال رشد است.

نمائی از گرسنگی و سوء تغذیه در مناطق مختلف جهان^۶

تعداد به میلیون ۲۰۰۹	تعداد به میلیون ۲۰۰۸	مناطق که مردم آن با گرسنگی و سوء تغذیه روبرو هستند
۶۴۲	۵۲۷,۲	جنوب آسیا و پاسفیک
۴۲	۳۷,۳	خاورمیانه و آفریقای شمالی
۵۳	۵۲,۱	آمریکای لاتین و کارائیب
۲۶۵	۲۱۳	صحرای آفریقا
----	۸۳۰	مجموع کشورهای جهان سوم
۱,۰۲ بلیون	۸۷۵	در سطح جهانی

چند کشور جهان سوم که مردم آن با مشکل سوء تغذیه و گرسنگی مواجه هستند.^۷

کشور	۱۹۶۹-۱۹۷۱	۲۰۰۱-۲۰۰۳	۲۰۰۴-۲۰۰۶	نسبت به کل جمعیت
هند	۲۱۹	۲۱۲	۲۵۱,۵	٪۲۲
چین	۳۸۷	۱۵۰	۱۲۷,۴	٪۱۰
پاکستان	۱۷	۳۵	۳۶,۵	٪۲۳
اندونزی	۵۶	۱۴	۳۶,۷	۱۶٪
برزیل	۲۲	۱۴	۱۱,۹	۶٪
مکزیک	۶	۵	-----	<٪۵
اتیوپی	-----	۳۲	۳۴,۶	٪۴۴
نیجریه	۱۳	۱۲	۱۱,۳	۸٪
تانزانیا	-----	-----	۱۳,۶	٪۳۵
زمبیا	-----	-----	۵,۲	٪۴۵
ایران	-----	-----	-----	<٪۵

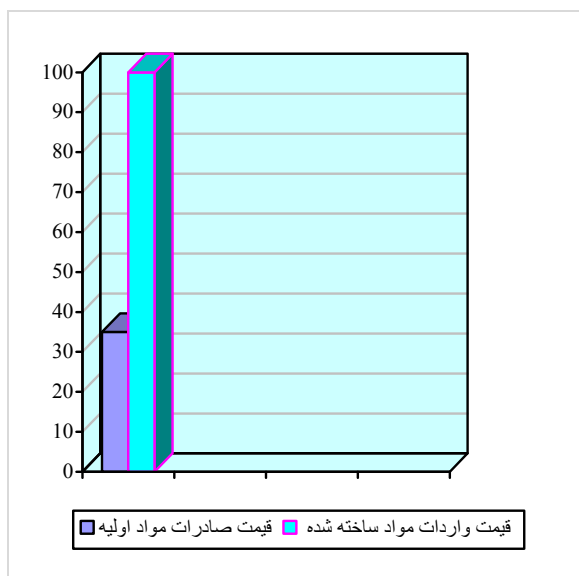
همانطور که ملاحظه میشود اکثر این کشورها جزء گروه سوم از نظر میزان رشد جمعیت هستند. یعنی رشدی بیش از ۲,۵٪ در سال. در ایران از سال ۱۳۵۷ تا نیمه دهه ۷۰ رشد جمعیت بیش از ۲٪ در سال بود.

۲- مستعمره میراث تاریخی

از فقر و تهیدستی مردم در کشورهای جهان سوم بدون در نظر گرفتن ریشه های تاریخی و سیاسی آن نمیتوان صحبت کرد. اکثر این کشورها در گذشته جزء مستعمرات کشورهای امپریالیستی بودند که نقش مهمی در فقر و تهیدستی امروز آنها دارند. بهره برداری از منابع طبیعی، ثروت ملی و استفاده از نیروی کار ارزان توسط کشورهای استعماری دلیل اصلی فقر و تهیدستی امروز آنها است. غیر از غارت منابع ملی و استثمار، جنگهای داخلی و خارجی در این کشورها باز هم یکی دیگر از دلالتی ویرانی و عدم پیشرفت است، که پیامدی جز فقر و تهیدستی برای مردم نداشته (سالها جنگ در هند، پاکستان، خاورمیانه، الجزایر و اکثر کشورهای آفریقائی).

در اواخر قرن ۱۹ استعمار جای خود را به امپریالیسم سیاسی، اقتصادی و تجاری داد و پایانی بود به دوران استعمار کلاسیک انگلیس، فرانسه، اسپانیا، هلند، بلژیک، پرتغال، آلمان و ایتالیا. در تمام این دوران استعماری تنها مواد اولیه صنعتی و کشاورزی مورد بهره برداری قرار نگرفتند بلکه از مردم برای سرباز گیری در جنگها استفاده شد. پس از جنگ جهانی دوم تعداد زیادی از کشورهای مستعمره استقلال خود را بدست آوردند، مثل هند در سال ۱۹۴۷ و بسیاری از کشورهای آفریقائی مانند تونس و مراکش در سال ۱۹۵۶ یا الجزایر در سال ۱۹۶۲. اما پس از این، استعمار جای خود را به نوکولونیاسیون داد، که خود موضوعی است مفصل که در محدود و چارچوب این نوشتار نیست.

این کشورها که بعدها به کشورهای در حال رشد معروف شدند به دلایل مختلف اقتصادی، سیاسی و رشد ناموزون سرمایه داری همیشه از نظر تکنولوژی به کشورهای سرمایه داری امپریالیستی و یا استعمارگران سابق خود احتیاج دارند. در تمام این کشورها مواد اولیه با قیمتی بسیار پائین به بازار جهانی عرضه میشود و بر عکس واردات صنایع و یا مواد مصرفی و غذائی به قیمتی بسیار بالا به آنها تحمیل میشوند. عدم تناسب قیمت بین صادرات و واردات این کشورها را در رابطه با کشورهای امپریالیستی میتوان در نمودار ساده زیر نشان داد.^۸



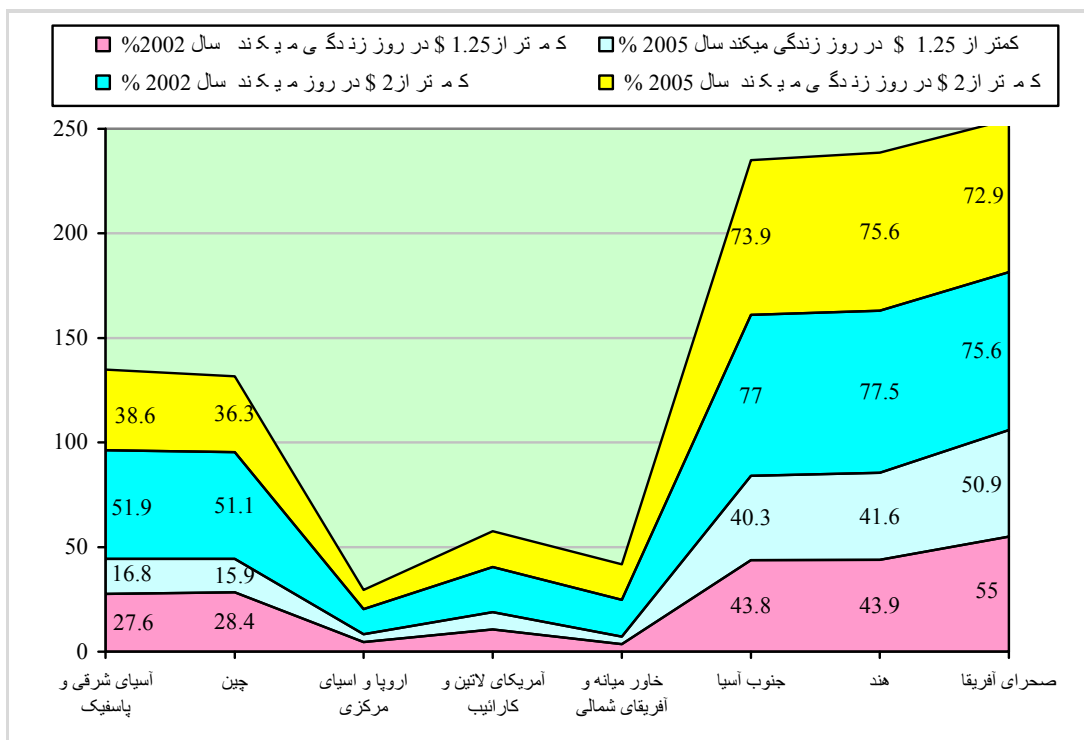
در ضمن به این نکته هم باید توجه داشت که صادرات کشورهای جهان سوم همیشه به چند نوع کالا محدود میشود. مثلاً در شرق آفریقا قهوه و کاکائو و نفت در خاورمیانه. تمام کشورهای جهان سوم تولید کنند و صادر کننده تک محصولی بشمار می آیند.

۳- وضعیت سیاسی

اکثر کشورهای جهان سوم از نظر سیاسی مشخصه هائی غیر از کشورهای بزرگ سرمایه داری یا پیشرفته صنعتی دارند. دیکتاتوری و یا رژیمهای نظامی تقریباً در تمام این کشورها جزء ثابت و دائمی روبنای سیاسی است. در صد بالائی از تولید خالص یا درآمد ملی صرف هزینه های نظامی، خرید اسلحه و ارگانهای سرکوب میشود. در حالی که اکثریت مردم در فقر و تهیدستی کامل بسر میبرند. فساد مالی، رشوه خواری و بازار سیاه مواد خوراکی و مصرفی مردم جزئی از سیستم اداری و حکومتی در این کشورها است که فقر، تهیدستی و تنگدستی مردم را تشدید میکنند. در این کشورها مردم نقش و دخالتی در تصمیم گیرها ندارند یا بهتر است گفته شود این نقش از آنها گرفته شده. به همین دلیل مردم در جریان صادرات، واردات، تنظیم بودجه، سرمایه گذاریها، هزینه های دولت و دیگر مواردی که به زندگی اقتصادی آنها مربوط میشوند قرار ندارند.

شاخصهای اندازه گیری فقر و تهیدستی

در اکثر کشورهای جهان سوم، به دلیل سیاست کلی قدرت حاکمه و عدم وجود سیستم آماری دقیق، دسترسی به آمار و ارقام مربوط به نرخ بیکاری، میزان سطح دستمزدها و افزایش هزینه های زندگی تقریباً غیر ممکن است. ولی با این وجود سازمانهای بین المللی با استفاده از بعضی از پارامترها به آماری دست یافته اند که میتواند گویای وضعیت اسفبار سطح زندگی مردم در این کشورها باشد. تحقیقات نشان داده است که میلیونها نفر در سطح جهانی با کمتر از ۱,۲۵ و یا ۲,۰ دلار در روز زندگی میکنند به همین دلیل سازمان جهانی کار و بسیاری دیگر از ارگانهای بین المللی این دو رقم را معیار یا شاخص آمارهای خود برای نشان دادن فقر شدید بکار برده اند. جمعیتی که در فقر شدید (کمتر از ۱,۲۵ دلار و یا ۲ دلار در روز) به سر میبرد.^۹



به علت تراکم ارقام مربوط به اروپا، آسیای مرکزی، آمریکای لاتین و کارائیب و خاورمیانه حذف شده اند.

برای نگاهی مشخص تر در مورد فقر شدید در کشورهای مختلف جهان چند کشور، از جمله ایران انتخاب شده .

جمعیتی که با فقر شدید زندگی میکند^{۱۰}

کشور	% کمتر از ۱,۲۵ دلار در روز ۲۰۰۰-۲۰۰۷	% کمتر از ۲ دلار در روز ۲۰۰۰-۲۰۰۷
آرژانتین	۴,۵	۱۱,۳
شیلی	<۲	۲,۴
کلمبیا	۱۶,۰	۲۷,۹
مکزیک	<۲	۴,۸
هند	۴۱,۶	۷۵,۶
چین	۱۵,۹	۳۶,۳
ایران	<۲	۸,۰
ترکیه	۲,۷	۹,۰
پاکستان	۲۲,۶	۶۰,۳
تایلند	<۲	۱۱,۵
آفریقای جنوبی	۲۶,۲	۴۲,۹
مصر	۳۹,۰	۱۸,۴
نیجریه	۶۴,۴	۸۳,۹
اتیوپی	۳۹,۰	۷۷,۵

۱- شاخص رشد انسانی (Indicateur de Développement Humain IDH)

فقر و تهیستی مردم موضوعی است پیچیده که تاثیرات آنرا نه تنها در عرصه اقتصادی بلکه در تمامی ابعاد زندگی باید مورد بررسی قرار داد. فاکتورهای مانند "امید به زندگی، مرگ و میر، مرگ میر کودکان، دسترسی به امکانات بهداشتی، درمانی و آموزش و پرورش" همه مسائلی هستند که به سیاست دولتها و شرایط اقتصادی که برای مردم ایجاد میکنند ارتباط دارند. اقتصاد دانان شاخصهایی را برای اندازه گیری فاکتورهای نام برده در نظر گرفته اند که بیان دیگری از شرایط اقتصادی و اجتماعی مردم و سیاست دولتها است.

شاخص رشد انسانی یا IDH سه ملاک یا سه فاکتور را مورد بررسی قرار میدهد، آموزش و پرورش، طول عمر یا رشد جمعیت و بالاخره سلامتی و بهداشت. در ضمن این شاخص با تغییراتی بین ۰ تا ۱ نشانه رشد و یا عدم رشد اقتصادی در این یا آن کشور است.

طبقه بندی سطح رشد انسانی سازمان ملل در سال ۲۰۰۷^{۱۱}

کشورها	شاخص رشد انسانی IDH
پیشرفته ترین	۰,۹۵۵
پیشرفته	۰,۸۳۳
متوسط	۰,۶۸۶
ضعیف	۰,۴۲۳

شاخص رشد انسانی در مناطق مختلف جهان که در سال ۲۰۰۹ منتشر شد

شاخص رشد انسانی IDH	سطح رشد انسانی در نواحی مختلف جغرافیائی
۰,۵۱۴	صحرای آفریقا
۰,۷۱۹	کشورهای عربی
۰,۷۷۰	شرق آسیا و پاسفیک
۰,۶۱۲	آسیای جنوبی
۰,۸۲۱	آمریکای لاتین و کارائیب
۰,۸۲۱	اروپای مرکزی و شرقی
۰,۹۳۷	اروپای غربی و ۲۷ کشور اتحاد اروپا
۰,۷۵۳	سطح جهانی

گزارش سال ۲۰۰۹ سازمان ملل در مورد شاخص رشد انسانی

چند کشور که شاخص رشد انسانی بالائی دارند						
کشور	ردیف	۲۰۰۰	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷
نروژ	۱	۰,۹۶۰	۰,۹۶۷	۰,۹۶۷	۰,۹۶۷	۰,۹۷۱
ایسلند	۳	۰,۹۴۵	۰,۹۶۲	۰,۹۶۷	۰,۹۶۸	۰,۹۶۹
کانادا	۴	۰,۹۵۰	۰,۹۶۳	۰,۹۶۵	۰,۹۶۷	۰,۹۶۶
فرانسه	۸	۰,۹۴۰	۰,۹۴۷	۰,۹۵۳	۰,۹۵۵	۰,۹۶۱
آلمان	۲۲	۰,۹۳۱	۱,۹۳۷	۰,۹۳۸	۰,۹۴۰	۰,۹۴۷
آرژانتین	۴۹	۰,۸۴۹	۰,۸۴۹	۰,۸۵۴	۰,۸۶۰	۰,۸۶۶
مکزیک	۵۴	۰,۸۱۸	۰,۸۳۳	۰,۸۳۷	۰,۸۴۲	۰,۸۵۴
ترکیه	۸۰	۰,۷۵۴	۰,۷۸۵	۰,۷۹۱	۰,۷۹۸	۰,۸۰۶

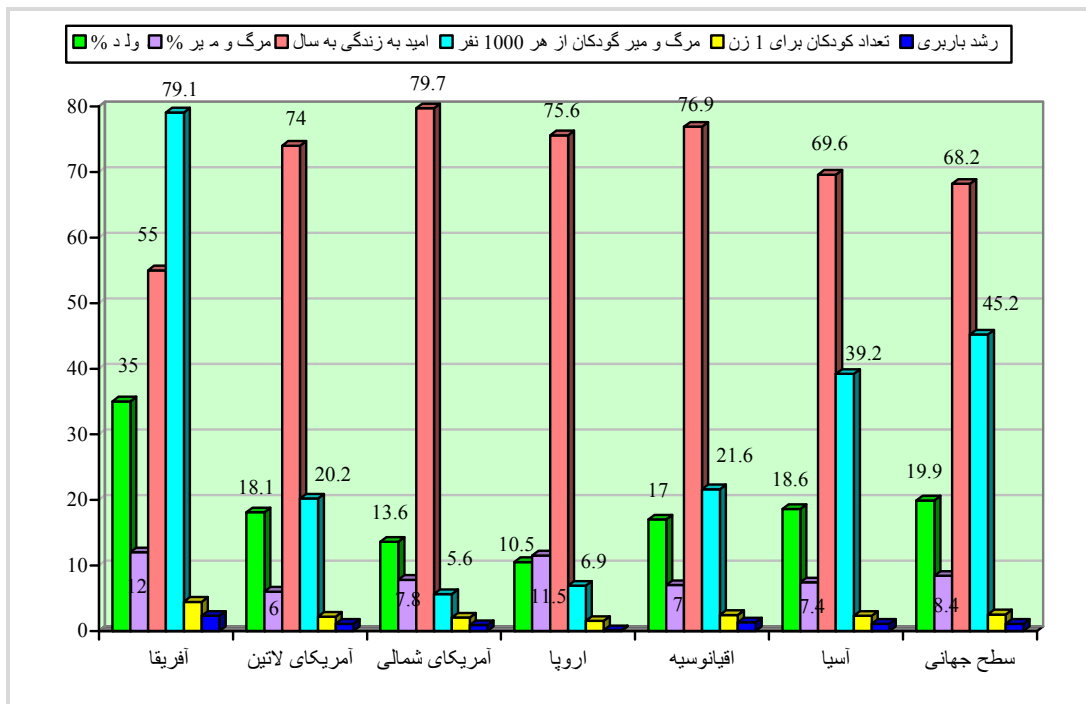
ترکیه تا سال ۲۰۰۶ در ردیف کشورهای با شاخص رشد انسانی متوسط قرار داشت ولی در سال ۲۰۰۷ به گروه پیشرفته پیوسته است.

چند کشور که شاخص رشد انسانی متوسط دارند						
کشور	ردیف	۲۰۰۰	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷
تایلند	۸۸	۰,۷۵۰	۰,۷۷۲	۰,۷۸۲	۰,۷۸۶	۰,۷۸۳
ایران	۸۹	۰,۷۳۵	۰,۷۵۴	۰,۷۷۰	۰,۷۷۷	۰,۷۸۲
چین	۹۳	۰,۷۱۸	۰,۷۴۴	۰,۷۵۴	۰,۷۶۲	۰,۷۷۲
اندونزی	۱۱۳	۰,۶۷۱	۰,۷۱۴	۰,۷۱۹	۰,۷۲۶	۰,۷۳۴
مصر	۱۲۵	۰,۶۶۵	۰,۷۰۹	۰,۷۱۲	۰,۷۱۶	۰,۷۰۳
هند	۱۳۶	۰,۵۶۱	۰,۵۸۵	۰,۶۰۰	۰,۶۰۹	۰,۶۱۲
پاکستان	۱۴۳	-----	۰,۵۱۸	۰,۵۲۶	۰,۵۴۸	۰,۵۷۵
نیجریا	۱۶۱	۰,۴۵۰	۰,۴۹۰	۰,۴۹۴	۰,۴۹۹	۰,۵۱۱

چند کشور که شاخص رشد انسانی ضعیفی دارند						
کشور	ردیف	۲۰۰۰	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷
اتیوپی	۱۷۴	۰,۳۲۳	۰,۳۶۵	۰,۳۷۹	۰,۳۸۹	۰,۴۱۴
موزامبیک	۱۷۵	۰,۳۳۳	۰,۳۵۶	۰,۳۶۱	۰,۳۶۶	۰,۴۰۲
چاد	۱۷۸	۰,۳۵۸	۰,۳۸۹	۰,۳۹۰	۰,۳۸۹	۰,۳۹۲

امید به زندگی یا طول عمر، مرگ و میر و همچنین مرگ و میر کودکان هم تعیین کننده شاخص رشد انسانی است.

ارزیابی تخمینی سازمان ملل برای سال ۲۰۱۰^{۱۲}



عدم دسترسی به امکانات پزشکی، دارویی و بهداشتی از یک سو و کمبود مواد غذایی علاوه بر مرگ و میر تاثیر خود را در طول عمر یا امید به زندگی مشخص میکند. در قاره آفریقا طول عمر متوسط تقریباً ۵۵ سال است و مرگ و میر کودکان بالاترین در صد (۷۹٫۱٪) را دارد.

۲- شاخص رشد جنسیت انسانی (Indicateur Sexospécifique du Développement Humain) (ISDH)

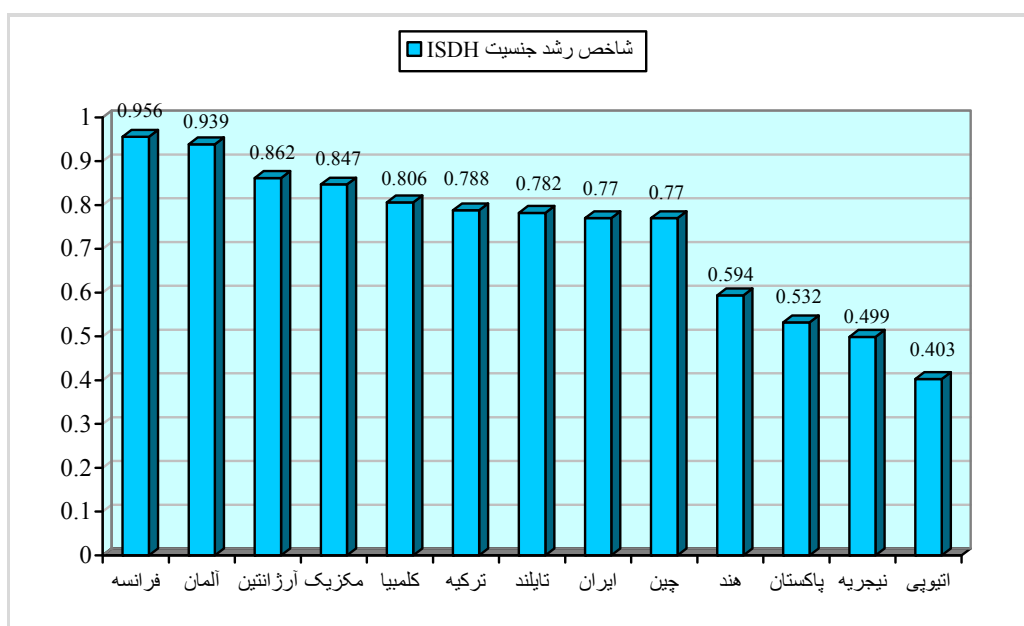
شاخص دیگری که وضعیت اقتصادی و اجتماعی مردم را مورد ارزیابی قرار میدهد، شاخص رشد جنسیت (Sexospécifique) است. این شاخص به بررسی وضعیت و شرایط زنان اختصاص داده شده. به همین دلیل قدرت خرید برای دو جنس مرد و زن بطور جداگانه اندازه گیری میشود. تحقیقات و مطالعات آماری در کشورهای مختلف جهان نشان میدهد که سطح درآمد بین دو جنس به ازاء کار برابر کاملاً متفاوت و تبعیض آمیز است. نابرابری در مورد سطح درآمد موضوعی است جهانی، مثلاً در فرانسه در اکثر حرفه های کاری اختلاف سطح درآمد بین زنان و مردان تا ۲۰٪ گزارش شده است، در نتیجه فقر و تنگدستی در بین زنان بیشتر رایج است تا در بین مردان.

بدون تردید شکاف و نابرابری در زمینه سطح دستمزدها به ازاء کار برابر، مشارکت نیروی کار، درصد بیکاری و یا تقسیم پست های کاری را باید ابتداء در سیستم و نظام سرمایه داری جستجو کرد. ولی در کشورهای مختلف عوامل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی میتوانند در کاهش و یا افزایش نابرابریهای اقتصادی و طبیعتاً تبعیضها و شکافهای دیگر تاثیر داشته باشند. از آن جمله مذهب، نقش و جایگاه آن در قدرت سیاسی و در جامعه یکی از فاکتورهای مهم و اساسی است که باید مورد توجه

قرار گیرد. تمام مذاهب و بویژه اسلام که متأسفانه در بعضی از کشورها بخصوص در منطقه خاورمیانه مذهب دولتی محسوب میشود، بطور رسمی و قانونی جایگاه جنس دوم و یا جنس پائین تر را برای زنان قائل است. در چنین صورتی نمیتوان از برابریهای اقتصادی صحبتی به میان آورد. فرهنگ مردسالارانه، آداب و رسوم عقب مانده دوران فئودالیسم که رابطه ای تنگاتنگ با مذهب دارند در اکثر کشورهای جهان بویژه در منطقه خاورمیانه، آسیا و قاره افریقا در افزایش نابرابریهای اقتصادی و اجتماعی بین دو جنس نقش اساسی دارند.

رفرمهائی که در قرن اخیر در کشورهای پیشرفته سرمایه داری بخصوص اروپائی بخاطر مبارزات زنان و نیروهای مترقی صورت گرفت، اگر چه تغییراتی را در وضعیت و شرایط اقتصادی زنان ایجاد کرده است ولی به هیچ وجه نمیتوان از "برابری بین دو جنس" صحبتی به میان آورد. نمودار زیر مقایسه شاخص رشد جنسیت در چند کشور است که عدد ۱ بهترین حالت و نزدیک شدن به عدد صفر بدترین حالت یا بیشتر شدن شکاف جنسیتی را نشان میدهد.

گزارش ۲۰۰۹ سازمان ملل در مورد شاخص رشد جنسیت^{۱۲}



۳- فقر بازنشستگان

شرایط زندگی افراد مسن (بالای ۶۰ سال) هم یکی دیگر از مشکلات اقتصادی و اجتماعی است. کارگران، معلمان و کارمندی که پستهای پائین اداری داشتند و از دوران جوانی وارد بازار کار شدند و تا سن بازنشستگی به کار مشغول بودند جزء افراد فقیر و تهیدست جامعه هستند. اکثر این افراد بعلت پائین بودن در آمد دوران کاری از بازنشستگی متناسب با هزینه های زندگی بر خوردار نیستند. این دسته از بازنشستگان بعلت از کار افتادگی در اثر فشار کار توانائی کارهای سبکتر را هم ندارند. ماهانه ای که بعنوان حق بازنشستگی به آنها تعلق میگیرد برای گذراندن یک زندگی "معمولی" کافی نیست. آنها هم جزء افراد تهیدست جامعه در تمام کشورهای دنیا بخصوص در کشورهای جهان سوم

هستند. وضعیت کلی اقتصادی و خارج شدن از گردونه کار دو دلیل کافی برای تنهائی، کناره گیری و انزوای اجتماعی این دسته از مردم جامعه است.

ارزیابی از جمعیت بالاتر از ۶۰ سال و تخمین اماری برای سال ۲۰۵۰ در چند کشور غربی^{۱۴}

کشور	% افراد بالاتر از ۶۰ سال ۲۰۰۵	ارزیابی برای سال ۲۰۵۰ %
آلمان	۲۵,۱	۳۵,۰
انگلستان	۲۲,۲	۲۹,۴
فرانسه	۲۱,۱	۳۳,۰
ژاپن	۲۶,۳	۴۱,۷
آمریکا	۱۶,۷	۲۶,۴

همانگونه که ملاحظه میشود در صد قابل توجهی از جمعیت در اروپا و سایر کشورهای صنعتی را کسانی تشکیل میدهند که بالاتر از ۶۰ سال دارند. جمعیتی که از نظر اقتصادی و در نتیجه اجتماعی در شرایط مناسبی دوران پیری خود را سپری نمی کنند.

آمار رسمی در مورد تعداد بازنشستگان در ایران در دست نیست، ولی در ۳ خرداد ۱۳۸۹ روزنامه اطلاعات در مطلبی مربوط به بازنشستگان چنین نوشت " آخرین آمار و ارقام رسمی نشان میدهد که نزدیک به ۵,۵ میلیون تن از جمعیت کشورمان را سالمندان یا افراد گروه سنی ۶۵ سال به بالا تشکیل میدهند که این رقم ۷,۳% جمعیت ایران است اکثر این بازنشستگان ماهانه ای که بطور متوسط بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان است دریافت میکنند که کفاف هزینه های زندگی آنها را نمیدهد". به همین دلیل بسیاری از آنها مجبورند علیرغم مشکلات پیری و سلامتی تا سنین بالا بکارهای دیگری ادامه دهند.

۴- فاجعه های طبیعی

در کشورهای جهان سوم شهر سازی و ساختمان سازی بر اساس استانداردهای ایمنی و بین المللی برنامه ریزی نمیشوند. و از همه مهمتر بدلیل عدم کمکهای دولتی مردم مجبورند به هر شکل و شیوه ای و با امکانات بسیار کم تنها سر پناهی برای خود تهیه کنند. سر پناهی که با وقوع کمترین حادثه طبیعی مانند سیل یا زلزله علاوه بر فاجعه انسانی منجر به نابودی تمام هستی مردمی میشود که سالها برای آن زحمت کشیده اند.

نمونه مشخص چنین وضعیتی در زلزله سال ۱۳۸۲ در شهر بم است که اکثر مردم خانه و سر پناه خود را از دست دادند و هنوز پس از ۶ سال بی خانمان هستند. سیل سال ۲۰۰۹ در ترکیه، زلزله سال گذشته در الجزایر، یا زلزله ژانویه امسال در هایتی و بالاخره سیل در پاکستان که منجر به ویرانی خانه و مسکن هزاران نفر شد. کسانی که دیگر هرگز نمیتوانند سر پناهی برای خود داشته باشند. در

اکثر موارد جمعیت قابل ملاحظه ای از این مردم به مهاجرین و آوارگان بی خانمان در حاشیه شهرهای بزرگ تبدیل میشوند.

نتایج روانی و اجتماعی فقر

متأسفانه تأثیرات روحی و روانی ناشی از فقر و نداری کمتر مورد توجه احزاب، فعالین سیاسی و پژوهشگران اقتصادی قرار میگیرند. در حالی که در اکثر مواقع تأثیرات روحی و روانی فقر و تهیدستی بسیار پیچیده تر از نتایج اقتصادی آن عمل میکنند. در بیشتر کشورهای جهان، بیکاری بویژه بیکاری دراز مدت همراه است با احساس "شرم" و "بی مصرفی" یا "بیهودگی" فرد در جامعه. از سوی دیگر بیکاری باعث یاس، نومیدی و در نتیجه تسلیم و بی تفاوتی نسبت به شرایط و عدم مبارزه برای تغییر آن است.

دپرسیون و استرس در بین بیکاران بویژه بیکاران دراز مدت بیش از دیگران رایج است. کناره گیری، انزوا و تنهایی هم زندگی اجتماعی در صد بالائی از بیکاران را در تمام کشورها تهدید میکند. در اثر بیکاری و فقر بسیاری از ارتباطات خانوادگی و اجتماعی کاهش مییابند. به همین دلیل در سالهای اخیر در کشورهای اروپائی تعداد کسانی که سعی میکنند از طریق اینترنت رابطه اجتماعی داشته باشند بوجود آمد نزدیک به ۱۷ میلیون عضو دارد. روابطی که هیچگونه تعهدی در بر ندارد غیر از یک رابطه اجتماعی مجازی و در عین حال ساده. به هر حال، حتی تئوریسین های بورژوا هم بر این باور هستند که بیکاری، فقر، تهیدستی، تنهایی و بعضی از بیماریهای روانی رابطه تنگاتنگی با هم دارند و متأسفانه روز به روز تعداد بیشتری از مردم با چنین شرایطی روبرو میشوند. بخصوص هنگامیکه که سیستم اقتصادی سرمایه داری با بحرانی جدید روبرو میشود.

ولی بدون هیچ تردیدی، شرایط زندگی بیکاران و خانواده های آنان در کشورهای عقب مانده سرمایه داری از نظر تامین نیازهای اولیه زندگی با کشورهای سرمایه داری پیشرفته قابل مقایسه نیست. نبود بیمه بیکاری، کمکها و خدمات دولتی، بی مسئولیتی دولتها در مقابل بیکاران و رها کردن کامل آنها به حال خود همه فاکتورهای افزایش فشار روحی و روانی هستند. در این کشورها بسیاری از بیکاران تنها در جستجوی راهی هستند برای رفع گرسنگی. بی دلیل نیست که در صد نا به هنجاریهای اجتماعی مانند خودکشی، اختلافات خانوادگی، طلاق، الکلیسم، اعتیاد، قتل، تن فروشی و سایر موارد در این کشورها به مراتب بالاتر از کشورهای سرمایه داری پیشرفته است.

بطور نمونه در مورد افزایش آمار طلاق در ایران، ابراهیم رشیدی مدیر کل دفتر آمار و اطلاعات جمعیت ایران اعلام کرد که ۱۲۵ هزار و ۷۴۷ مورد طلاق در سال ۱۳۸۸ در کشور رخ داد که این رقم نسبت به مدت مشابه خود در سال ۱۳۸۷ حدوداً ۱۳٪ رشد کرده است.^{۱۵}

همچنین جواد صادقی، رئیس مجمع قضائی در تیر ماه سال ۱۳۸۸ از وجود ۶ میلیون زن طلاق گرفته در کشور خبر داد. یا در مورد اعتیاد، روزنامه انگلیسی گاردین در گزارشی درباره اعتیاد در ایران به نقل از سازمان ملل نوشته است، "ایران بالاترین نسبت معتادان به هرویین و تریاک را در جهان دارد و یک نفر از ۱۷ نفر از جمعیت آن معتاد به این مواد و ۲۰ درصد جمعیت ۱۵ تا ۶۰ ساله کشور از مواد مخدر استفاده میکنند". متأسفانه هنوز شاخصی برای اندازه گیری ناراحتیهای روحی و روانی

ناشی از فقر وجود ندارد. ولی میتوان از طریق آمار مربوط به طلاق، یا تعداد افراد مجرد که تنها زندگی میکنند به نتایجی دست یافت.

افزایش تعداد افراد تنها در فرانسه^{۱۶}

ساختمان خانواده	% ۱۹۹۰	% ۱۹۹۹	% ۲۰۰۶	% تغییرات بین ۱۹۹۹-۲۰۰۶
مرد تنها	۱۰,۱	۱۲,۴	۱۳,۵	۱۸,۹۵
زن تنها	۱۷,۱	۱۸,۴	۱۹,۴	۱۵,۷۳

فقر کودکان

قبل از اینکه به درماندگی و فقر کودکان پرداخته شود، به این نکته باید توجه داشت که کودکان در سراسر جهان بعلت ناتوانی جسمی، روحی و عدم توانایی در تصمیم گیری جزء "گروه ضعیف" جامعه تقسیم بندی شده اند. و در سراسر دنیا، فقر کودکان در رابطه با فقر و تنگدستی خانواده مورد بررسی قرار میگیرد. ولی از آنجائی که در سطح جهانی کودکان بعنوان یک گروه یا کاتگوری انسانی جدا از خانواده شناخته شده اند، به همین دلیل آمار جداگانه خود را در مورد سلامتی و بهداشت، کار، سواد آموزی، مرگ و میر، فقر و تهیدستی و بالاخره شرکت در جنگ (کودکان سرباز) دارند. قبل از اینکه به موضوع کار کودکان پرداخته شود ضروری است که از زاویه آمار و ارقام نگاهی داشته باشیم به برخی از شاخصهای زندگی در کشورهای مختلف. این شاخصها ارتباط مستقیم با فقر و نداری مردم بطور کلی و کودکان بطور خاص دارد. بعنوان نمونه، آمار مرگ و میر کودکان یکی از شاخصهایی است که گرسنگی، سوء تغذیه، عدم دسترسی به پزشک، دارو، درمان و امکانات بهداشتی را نشان میدهد.

مرگ و میر کودکان کمتر از ۵ سال برای هر ۱۰۰۰ نفر کودک^{۱۷}

ناحیه جغرافیائی	۲۰۰۰	۲۰۰۵	۲۰۰۷	۲۰۰۸
آفریقا	۱۵۲	۱۳۹	۱۳۴	۱۳۲
آفریقای غربی و جنوبی	۱۴۷	۱۳۰	۱۲۳	۱۲۰
آفریقای مرکزی و غربی	۱۸۸	۱۷۶	۱۷۱	۱۶۹
خاورمیانه و آفریقای شمالی	۵۶	۴۷	۴۴	۴۳
جنوب آسیا	۹۹	۸۳	۷۸	۷۶
آسیای شرقی و پاسفیک	۴۱	۳۲	۲۹	۲۸
آمریکای لاتین و کارائیب	۳۳	۲۶	۲۴	۲۳
کشورهای صنعتی	۷	۶	۶	۶
کشورهای در حال رشد	۸۶	۷۷	۷۳	۷۲
کشورهای کمتر رشد یافته	۱۵۰	۱۳۶	۱۳۱	۱۲۹
در سطح جهانی	۷۸	۷۰	۶۶	۶۵

مرگ و میر کودکان از هر ۱۰۰۰ نفر در کشورها مختلف سال ۲۰۰۸

کشور	مرگ و میر کودکان زیر ۱ سال	مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال
آرژانتین	۱۵	۱۶
شیلی	۷	۹
کلمبیا	۱۶	۲۰
مصر	۲۰	۲۳
ایران	۲۷	۳۲
پاکستان	۷۲	۸۹
تایلند	۱۳	۱۴
ترکیه	۲۰	۲۲
چین	۱۸	۲۱
هند	۵۲	۶۹
آفریقای جنوبی	۴۸	۶۷
نیجریه	۹۶	۱۸۶
آلمان	۴	۴
فرانسه	۳	۴

کودکان دوره ای را سپری میکنند که رشد جسمی و روحی آنان ضرورت حمایت از آنها را ایجاب میکند. محافظت و حمایتی که تنها محدود به خانواده نمیشود بلکه دولتها و سیاست آنها نقش اساسی در حمایت از کودکان و بهبود وضع آنها دارد. کودکان قبل از هر چیز احتیاج به غذا، مسکن، بهداشت و امکانات تحصیلی دارند. ولی متأسفانه در اکثر کشورهای دنیا، آنها نه تنها مورد حمایت قرار نمی گیرند بلکه در بسیاری از موارد بویژه در کشورهای عقب مانده سرمایه داری، کودکان مجبورند برای کمک به خانواده و رفع نیازهای روزانه خود حتی به کارهای سخت تن در دهند. کار کودکان سابقه طولانی در تاریخ بشر دارد و یک پدیده جدید نیست. در دوره های گذشته کودکان در امور اقتصادی خانواده سهیم بودند (کار در مزارع کشاورزی، دامداری و یا کارهای خانگی). هم اکنون در بسیاری از کشورهای جهان سوم کودکان مجبور به کارهای سخت جسمی مثل باربری هستند. ولی آنچه که مشخص است کار کودکان نشانه و مشخصه فقر و تهیدستی خانواده ها است که توانائی هزینه های لازم برای تامین خوراک، پوشاک و سایر نیازهای کودکان را ندارند.

متأسفانه به دلیل گسترش فقر و نداری در سراسر دنیا بخصوص در کشورهای آسیائی و آفریقائی تعداد کودکانی که مجبورند برای ادامه زندگی خود و خانواده وارد معاملات نا عادلانه سرمایه داران گردند رو به افزایش است. به همین خاطر در بین قربانیان در نظام سرمایه داری، کودکان هم آمار مخصوص به خود را دارند.

با توجه به سطح زندگی، جدول زیر نمائی از فقر کودکان را در چند کشور اروپائی و آمریکا که به کشورهای ثروتمند معروف هستند نشان میدهد.

فقر کودکان در کشورهای ثروتمند در سال ۲۰۰۶^{۱۸}

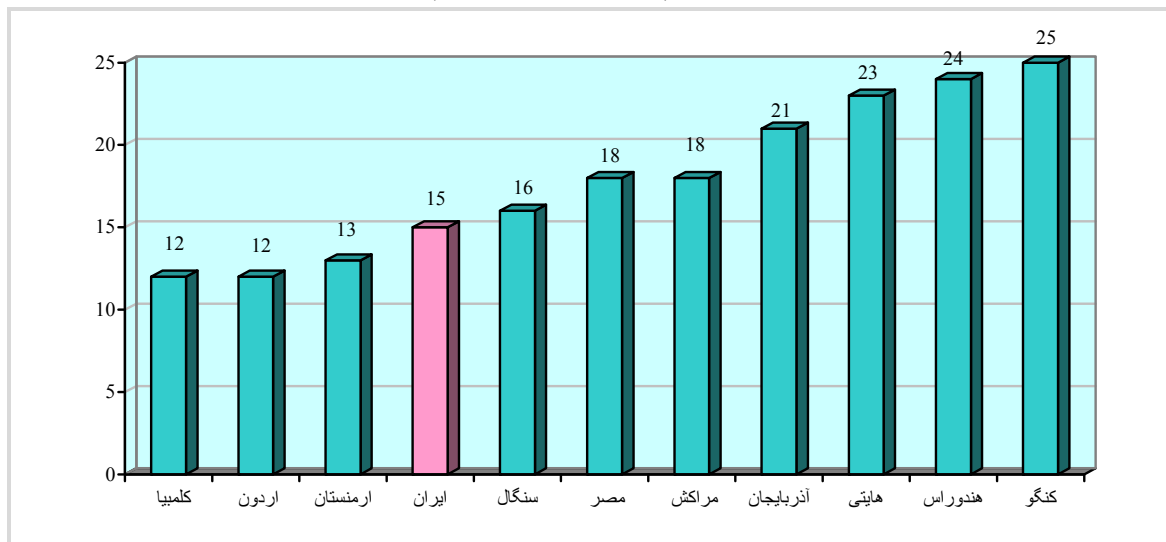
کشور	در صد کودکان فقیر
دانمارک	۲,۴
فنلاند	۲,۸
نروژ	۳,۴
سوئد	۴,۲
چکوسلواکی	۶,۸
فرانسه	۷,۵
مجارستان	۸,۸
هلند	۹,۸
آلمان	۱۰,۲
یونان	۱۲,۴
لهستان	۱۲,۲
اسپانیا	۱۳,۳
ژاپن	۱۴,۳
استرالیا	۱۴,۷
کانادا	۱۴,۹
انگلیس	۱۵,۴
پرتغال	۱۵,۶
ایرلند	۱۵,۷
آمریکا	۲۱,۹

(این آمار پس از ارائه کمکهای مالی و اجتماعی دولتها تنظیم شده است)

علاوه بر آمار بالا بررسی‌های انجام شده مشخص میکند که نزدیک به ۲,۹ میلیون کودک بریتانیایی در خانواده‌هایی زندگی میکنند که برای برخورداری از معافیت مالیاتی ثبت نام کرده‌اند. باز هم در همین کشور میتوان به ۲,۶ میلیون کودک که هیچ یک از افراد خانواده (پدر یا مادر) شاغل نیستند و تنها با اتکاء به کمکهای دولتی قادر به تامین حداقلهای لازم هستند اشاره کرد.

در همین رابطه آمار سال ۲۰۰۵ یونیسف نشان میدهد که بیش از ۲ میلیارد کودک در سطح جهان زندگی میکنند که ۸۶٪ (یک میلیارد نفر) آنها در کشورهای جهان سوم در فقر و نداری بسر میبرند. ۹۰ میلیون نفر، برابر با ۱۶٪ کودکان کمتر از ۵ سال از سوء تغذیه و گرسنگی شدید رنج میبرند. در سطح جهان ۱۳٪ کودکان بین ۷ تا ۱۸ سال هرگز به مدرسه نرفته‌اند (۱۶٪ آنها دختر و ۱۰٪ پسر هستند).

کودکان بین ۴- ۰ سال در چند کشور در حال رشد که بعلت کمبود و عدم تغذیه مناسب رشد طبیعی جسمی ندارند (۲۰۰۷-۲۰۰۴ به %)^{۱۹}



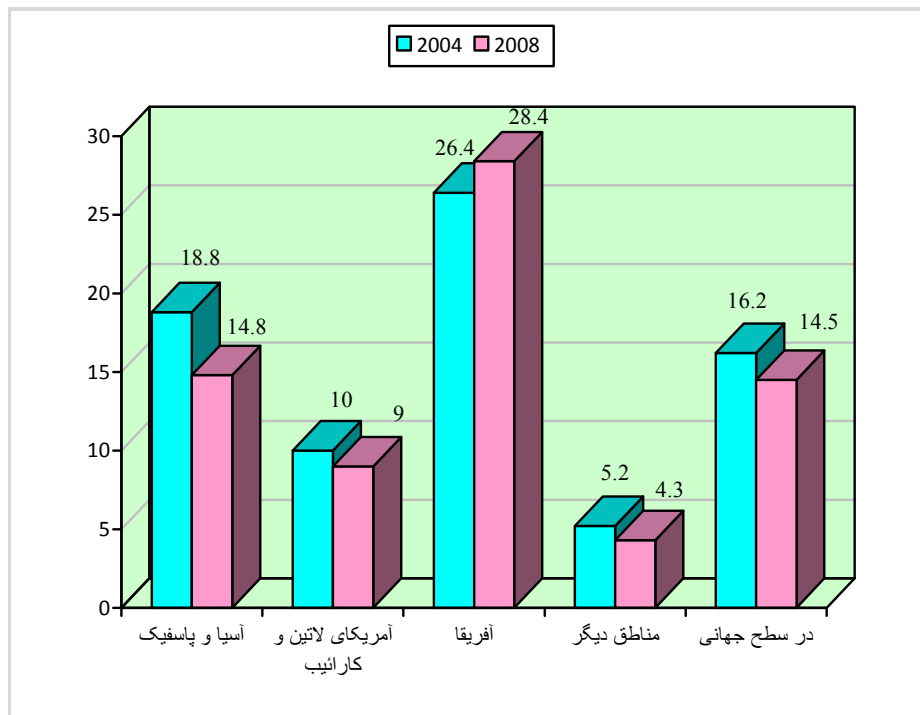
کودکان کار

بی عدالتی، ستمگری و غیر انسانی بودن نظام سرمایه داری را در استفاده از دست‌ان کوچک کودکان میتوان تجسم کرد. در سراسر دنیا بویژه در کشورهای عقب مانده صنعتی بعلت فقر و درماندگی بیشتر، کودکان از همان سنین پائین مجبورند ساعاتهای طولانی و تحت شرایط سخت جسمی و روحی برای ادامه زندگی خود و خانواده کار کنند. قوانین مربوط به حقوق کودکان سازمان ملل تنها نوشته ای بیش نیست. واقعیت زندگی کودکان را در تعداد مرگ و میر آنها در نتیجه گرسنگی، بیماری و همینطور سوء استفاده از نیروی کار کوچک آنها باید جستجو کرد.

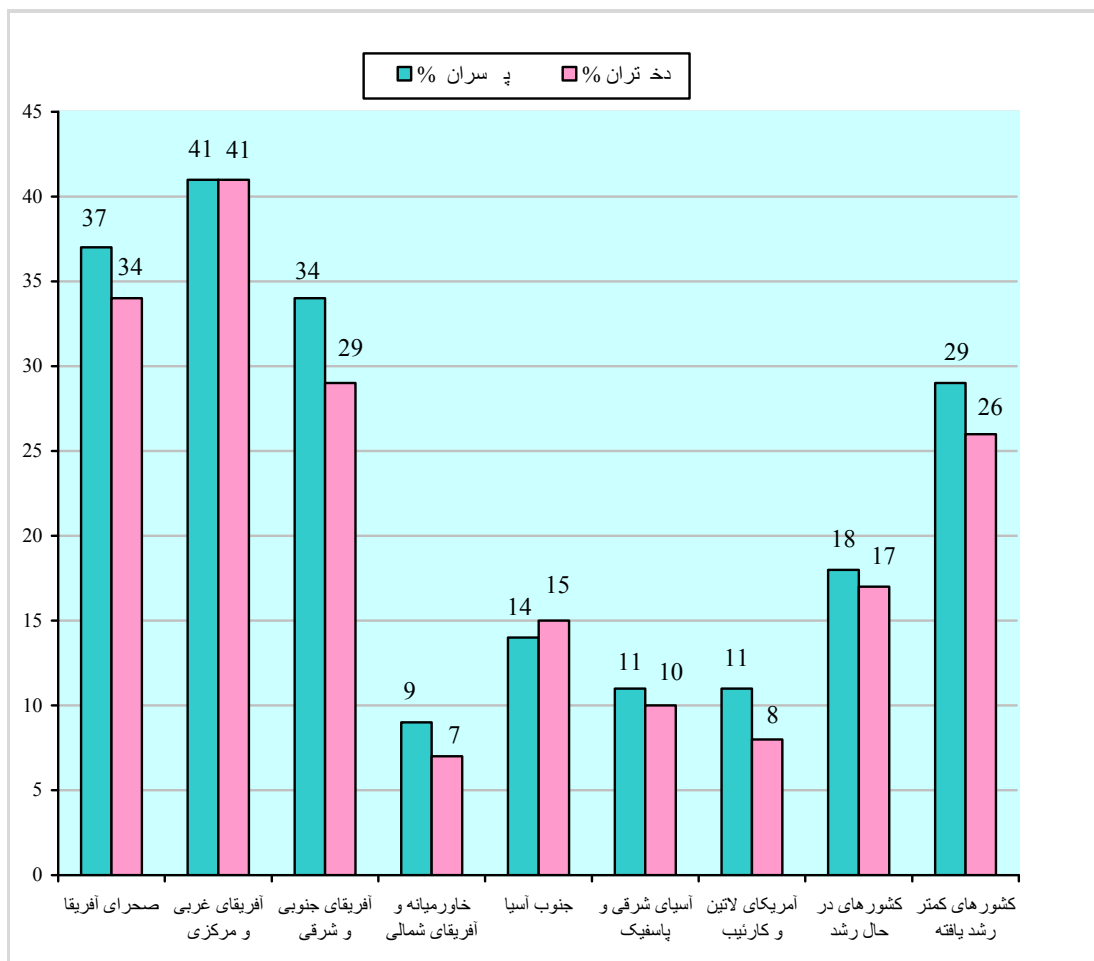
همانطور که گفته شد فقر و تهیدستی خانواده اولین و مهمترین عاملی است که کودکان مجبور میشوند درس و مدرسه را رها کنند و از سنین کودکی به بازار کار و مناسبات پیچیده آن روی آورند. یعنی از همان کودکی بدون آنکه از نظر جسمی و روحی آمادگی کار را داشته باشند وارد مناسبات و روابطی میشوند که تنها سختی جسمی آن در درجه اول رنج آور و قابل روئیت است.

باید توجه داشت که کار کودکان دو هدف را برای خانواده های تهیدست دارد. اول دستمزد کوچک این کودکان کمک هزینه ای برای خانواده است و دوم آنکه کودکان بخشی از مخارج خود را تامین میکنند و به این وسیله از بار خانواده میکاهند. در مورد بهره برداری از نیروی کار کودکان و استثمار آنها در نظام سرمایه داری، تنها میتوان به آمارهای سازمان جهانی کار و یونیسف مراجعه کرد. در واقع هیچ یک از نهادهائی که در زمینه ممنوعیت کار کودکان مبارزه میکنند منبع آماری دیگری در دسترس ندارند.

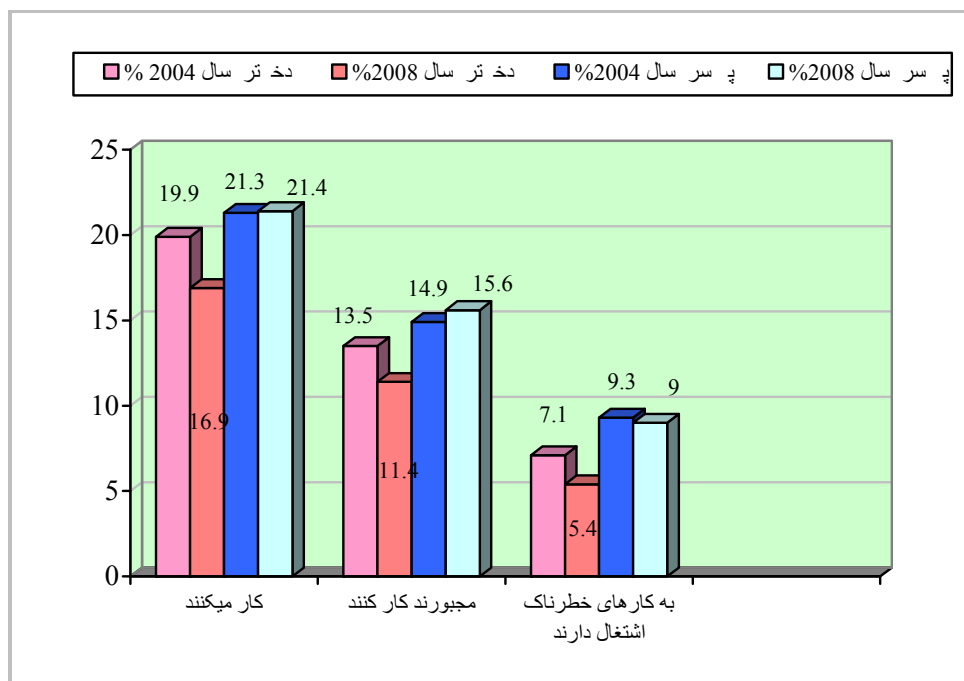
کودکان کار ۱۴-۵ سال در ۲۰۰۸-۲۰۰۴ به ۲۰٪



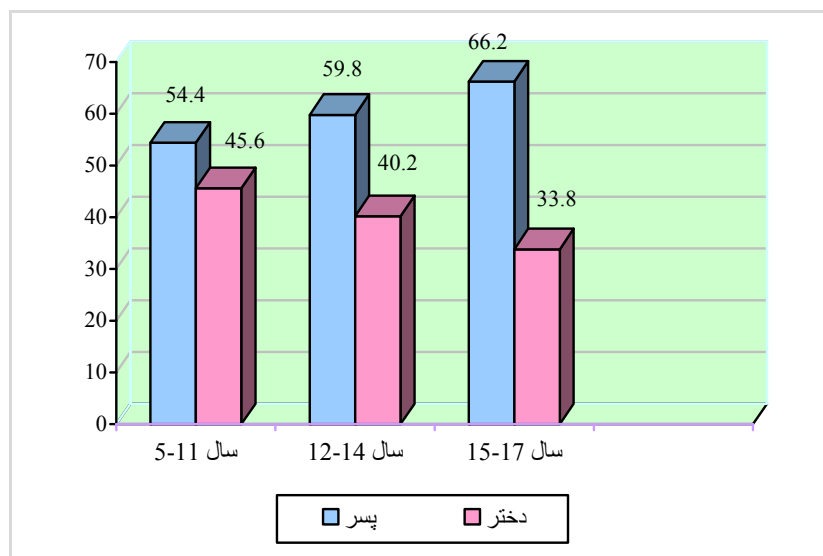
کودکان کار ۱۴-۵ سال در کشورهای در حال رشد بر حسب تفکیک جنسی به % ۲۱



% کودکان بین ۵ تا ۱۷ سال در سطح جهانی که فعالیت اقتصادی دارند، انهایی که مجبورند کار کنند و انهایی که به کارهای خطرناک اشتغال دارند بر حسب تفکیک جنسی.^{۲۲}

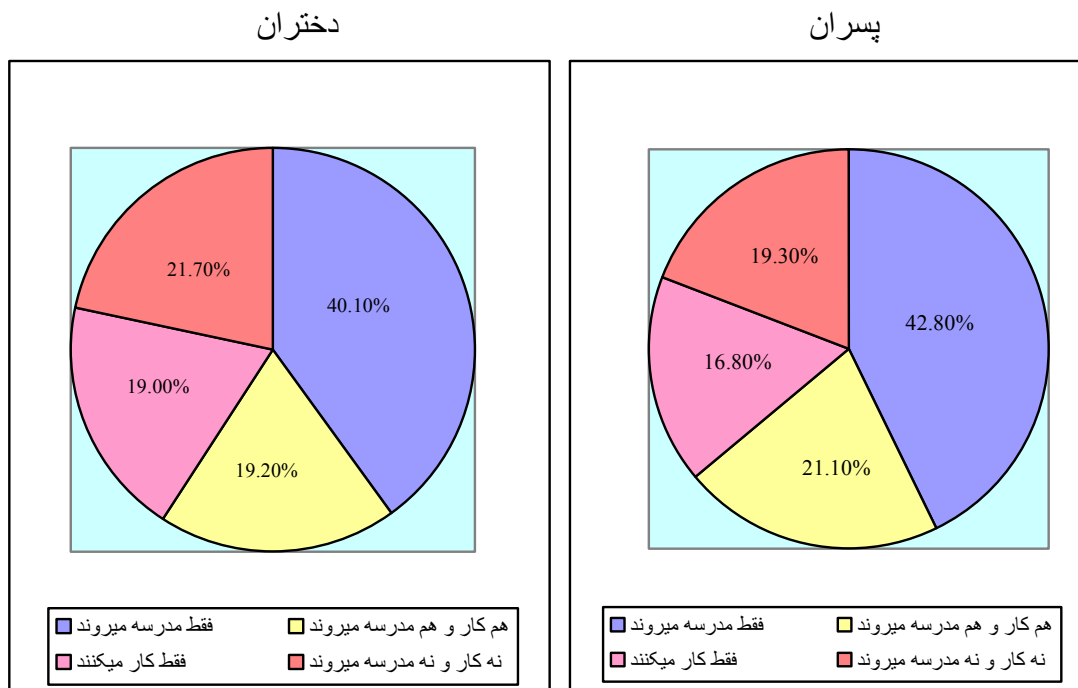


% کودکانی که مجبورند کار کنند بر حسب ردیف سنی و تفکیک جنسی سال ۲۰۰۸



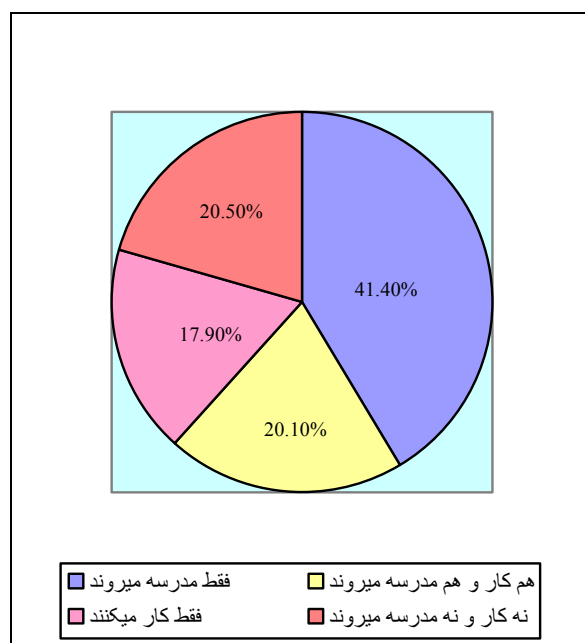
با توجه به فقر بیشتر در قاره آفریقا تعداد کودکانی که میتوانند تحصیل کنند از مجموع کودکانی که این امکان را ندارند کمتر است.

کودکان کار ۱۴-۷ سال و شرایط آنها در مورد کار و تحصیل در صحرای آفریقا در سال ۲۰۰۵.



کودکانی که نه کار میکنند و نه مدرسه میروند آنهایی هستند که یا خیلی مریض و یا فلج هستند.

مجموع کودکان کار بدون تفکیک جنسی بین ۱۴ تا ۷ سال و وضعیت آنها در صحرای آفریقا

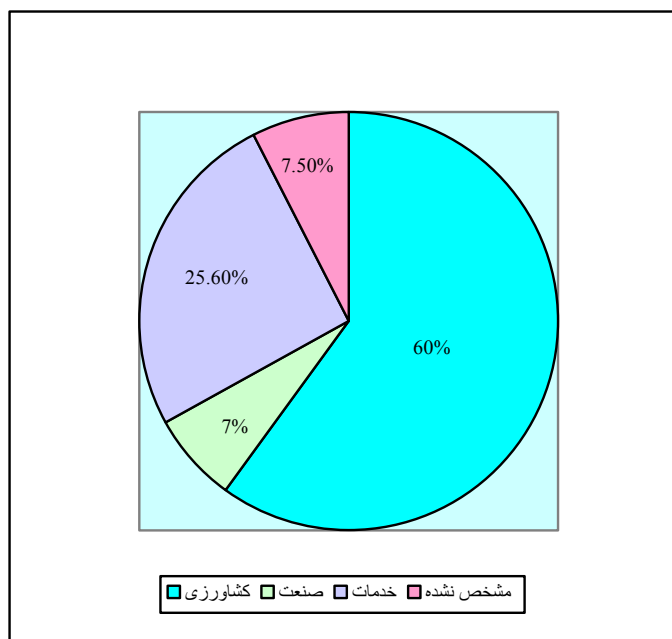


کودکان کار بین ۱۴-۵ سال در چند کشور بین سالهای ۲۰۰۸-۱۹۹۹^{۲۴}

کشور	% پسران	% دختران	% مجموع
آرژانتین	۸	۵	۷
شیلی	۳	۲	۳
کلمبیا	۶	۴	۵
مصر	۸	۵	۷
اتیوپی	۵۹	۴۶	۵۳
هند	۱۲	۱۲	۱۲
تایلند	۸	۸	۸
ترکیه	۴	۶	۵
ایران	-----	-----	-----
مکزیک	۱۵	۱۶	۱۶

ارقامی که در صد مجموع آنها با درصد جداگانه پسران و دختران هم آهنگ نیست متعلق به آمار یک قسمت یا یک ناحیه از این کشورها است. (یونیسف آمار دیگری را در دسترس ندارد). جمهوری اسلامی هم اساسا بنا به سیاست همیشگی هیچگونه اطلاعاتی در مورد کودکان کار ارائه نمیدهد.

کودکان کار ۱۷-۵ سال بر اساس تفکیک بخشهای فعالیت در سالهای ۲۰۰۸-۲۰۰۴^{۲۵}



آمار دیگری در مورد کودکان کار و تاریخ کوتاهی در مورد آن

در بورکینا فاسو ۵۰٪ کودکان بین ۵ تا ۱۴ ساله مجبورند در شرایط بسیار سخت و غیر انسانی کار کنند. طبق آمار یونیسف در نیجریه و سریلانکا این رقم به ۷۰٪ هم میرسد. در آفریقای جنوبی بیشتر از ۴ میلیون نفر، در کنیا ۳,۵ میلیون، در زیمبابوه ۵ میلیون و در مصر بین ۱,۴ تا ۲ میلیون کودک بین ۵ سال تا ۱۴ سال مشغول به کار هستند.

سازمان جهانی کار تعداد کودکان کار در ترکیه که بیشتر آنها در مزارع و یا کارگاهها کار میکنند بین ۱ تا ۳ میلیون نفر ارزیابی میکند و در پاکستان کودکان کار رقمی نزدیک به ۵ میلیون نفر را دارند. در تمام این کشورها کودکان به کارهای سخت و طاقت فرسا مثل کار در مزارع، باربری در بازارها، کار در معادن، کارگاه های قالی بافی و یا کارگاه های آهنگری با بیش از ۱۰ تا ۱۲ ساعت در روز مشغول بکار هستند. در حال حاضر سازمان جهانی کار با توجه به داده های آماری که چندان هم دقیق نیست حدس میزند که ۲۵۰ میلیون کودک در سطح جهان به کار مشغول هستند. کشورهای اندونزی، تایلند، فیلیپین، مالزی، هند و پاکستان جزء کشورهای هستند که بالاترین آمار مربوط به کودکان کار را دارند.

در ابتداء کار کودکان هرگز مورد تردید و سؤال بورژوازی نبود حتی در بسیاری از موارد کار کودکان را در بعضی از قسمتهای تولیدی ضروری میدانستند. بطور کلی کار کودکان در بین مردم و افکار عمومی جا افتاده بود و اساسا موضوعی مورد بحث نبود.

ایده عمومی کار کودکان، کمک اقتصادی آنها به خانواده بود که بیشتر کارگران و تهیدستان شهر و روستا را تشکیک میدادند. تنها سالها بعد بود که کار کودکان از نظر پزشکی، سیاسی و اقتصادی مورد بحث قرار گرفت. از سال ۱۸۰۲ بعضی از قوانین محدودیتهایی را برای کار کودکان در انگلیس ایجاد کرد و در آمریکا بین سالهای ۱۸۷۵-۱۸۲۵ ساعت کار کودکان از ۱۲ ساعت به ۱۰ ساعت در روز کاهش یافت و در سال ۱۹۳۸ در شهر ماساچوست کار کودکان کمتر از ۱۳ سال ممنوع شد.

در فرانسه زمانیکه Jules Ferry بین سالهای ۱۸۸۲-۱۸۸۱ مدارس ابتدائی را برای دختران و پسران بین ۱۳-۶ سال اجباری اعلام کرد مورد خشم و نارضایتی صاحبان کارخانه ها قرار گرفت. تحصیل رایگان از همین تاریخ شروع شد و از این پس بود که کودکان خانواده های کارگری و تهیدستان شهری و روستائی توانستند از امکانات آموزشی استفاده کنند. از این طریق ساعات کار کودکان در کارخانه ها شروع به کاهش کرد. تحصیل رایگان و کاهش ساعات کار تنها در بعضی از کشورهای اروپائی آغاز شد در حالی که در همان زمان در برزیل، کشورهای حوزه کارائیب و یا در جنوب آمریکا هنوز کودکان برده وار در مزارع و کارخانه ها کار میکردند.^{۲۴}

کار کودکان برای صاحبان کارخانه ها، کارگاهها و مزارع امتیازات اقتصادی و سیاسی بیشتری در مقایسه با کار بزرگسالان دارد.

- ۱- کودکان مناسب تر با نوسانات عرضه و تقاضای کار در بازار قرار دارند
- ۲- اخراج کودکان در صورت رکود، تورم و یا هر پی آمد دیگر اقتصادی راحتتر است

۳- کار کودکان ارزانتر از کار بزرگسالان است

۴- کودکان هیچگونه حق و حقوقی بعنوان کارگر ندارند و از داشتن سندیکا و یا هر تشکل دیگری که از حقوق آنها دفاع کند بی بهره هستند.

اما در دهه ۷۰ میلادی گروه کوچکی از کودکان کار در شهر Kundapur در جنوب هند اعلام موجودیت کرد و قطعنامه ای صادر کرد که از نظر بین المللی اهمیت داشت. سپس در سال ۱۹۹۸ در داکا و بالاخره در دسامبر ۲۰۰۲ موجودیت خود را رسمیت بخشید. در ۱۸ آوریل سال ۲۰۰۴ این جنبش کوچک کودکان در برلین اولین کنگره خود را برگزار کرد.

بهره برداری جنسی از کودکان

بهره برداری جنسی از کودکان در تن فروشی و تولید فیلم های (Pomographie) بعنوان برده داری مدرن در نظر گرفته شده است. هیچگونه آمار و یا تخمینهای آماری در مورد سوء استفاده جنسی از کودکان وجود ندارد. ولی با وجود این سازمان جهانی کار تخمین میزند که ۱,۸ میلیون کودک در سطح جهانی مورد سوء استفاده جنسی قرار دارند. به گزارش یونیسف، سالانه یک میلیون و ۲۰۰ هزار کودک در جهان توسط گروه های قاچاق انسان ربوده و قاچاق می شوند و براساس نظر حقوقدانان بین المللی، بیشتر کودکان قاچاق شده در تن فروشی مورد استفاده قرار گرفته و از آنها به عنوان «ابزار جنسی» استفاده می شود. بطوریکه تجاوز جنسی در صدر عوامل مرگ و میر کودکان زیر ۱۵ سال دنیا است.

نکته تاسف آور این است که سوء استفاده از کودکان در برخی از کشورهای جهان به عنوان یک صنعت برای «جذب گردشگر» تبدیل شده، بطوری که بررسی ها نشان می دهد ۳۰ تا ۳۵ درصد از کودکان "کارگران جنسی" در رده سنی ۱۲ تا ۱۷ سال بوده و بیشتر جزء ساکنین جنوب و شرق آسیا هستند. سازمان جهانی کار آمار دقیقی از تجارت جنسی کودکان ندارد ولی تعداد آنها را بیش از ۲ میلیون ارزیابی میکند که ۹۸٪ آنها را دختران و ۲٪ آنها را پسران بین ۱۲ تا ۱۷ سال تشکیل میدهند.^{۲۷}

سازمان جهانی کار و یونیسف ازدواج اجباری و یا زودرس (کمتر از ۱۸) سال را هم جزء بهره برداری جنسی از کودکان تعریف کرده اند که بیشتر در کشورها عربی و یا مسلمان رایج است.

کودکان سرباز

در اکثر جنگهای داخلی و یا منطقه ای در کشورهای آفریقائی از کودکان ۸ ساله و بالاتر سربازگیری میشود. در اکثر موارد این سربازگیری اجباری است، به همین دلیل این مورد را هم مانند بهره برداری جنسی از کودکان یک نوع برده داری مدرن ارزیابی میکنند. علت سربازگیری کودکان، نا آگاهی آنها، اطاعت محض از بزرگسالان و حساسیت آنها نسبت به مقامات بالاتر است. در کشورهای آفریقائی بیشتر این سربازان کوچک مجبور بودند در قتل عامها شرکت داشته باشند. طبق گزارش های سازمان ملل ۳۰۰,۰۰۰ کودک کمتر از ۱۸ سال بعنوان سرباز در جنگهای داخلی یا خارجی در سریلانکا

(تامولها) در بسنی، افغانستان، کامبوج و لبنان یونیفرم سربازی به تن کردند. و طبق گزارش Hauman Rights Watch در کلمبیا ۱۱۰۰۰ دختر و پسر زیر ۱۸ سال یونیفرم FARC را به تن دارند که بعنوان نظامی و یا شبه نظامی در عملیات جنگی شرکت میکنند. و در بیرمنی به نقل از همین سازمان ۲۰٪ سربازان کمتر از ۱۸ سال دارند. بنا بر گزارش یونیسف در سال ۲۰۰۷ و علیرغم تلاشهای بین المللی هنوز بین ۷۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ کودک در چاد در گروههای نظامی مورد استفاده قرار میگیرند. در جنگ هشت ساله ایران و عراق جمهوری اسلامی هم از کودکان سوء استفاده کرد. تعدادی از کودکان در اثر تبلیغات این رژیم و کمکهای مالی که به خانواده های آنها میشد درس و مدرسه را رها کردند و به جبهه های جنگ رفتند. جمهوری اسلامی هرگز تعداد کشته شدگان و معلولین کودک سرباز را اعلام نکرد.^{۲۸}

کودکان کار در ایران

در ایران هم علیرغم تفاوت های اقتصادی با کشورهای آفریقائی و یا بعضی از کشورهای آسیائی از نیروی کار کودکان سوء استفاده میشود. هم اکنون در تمام شهرهای بزرگ، کوچک و روستاها کودکان در مزارع، کارگاهها، بازارها و خانه ها مشغول بکار هستند.

آمار رسمی و دقیقی از کودکان کار در ایران در دست نیست. دولت جمهوری اسلامی بدلائل سیاسی هرگز نخواست است آمار از کار و بهره کشی کودکان ارائه دهد. و متأسفانه در سالهای اخیر همه شرایط ساختاری برای افزایش تعداد کودکان کار آماده است، زیرا طبق آماري که چندان هم دقیق نیست، حدود ۱۲,۲ میلیون نفر در زیر خط فقر مطلق و ۱۶,۵ میلیون نفر در زیر خط فقر نسبي قرار دارند. با توجه به این ارقام، پیش بینی میشود که بیش از ۲,۸ میلیون کودک به کودکان کار اضافه شود.^{۲۹}

از کل کودکان بین ۱۰ تا ۱۸ سال کشور در سال ۱۳۸۵ فقط ۷۲,۶٪ آنها به مدرسه رفتند، و نزدیک به ۱۲,۷٪ از آنها (یعنی قریب به ۱,۷ میلیون نفر) به طور مستقیم درگیر کار شدند. تقریباً ۶,۹٪ نیز در زمان آمارگیری خانهدار بودند که آنها نیز جزو کودکان کار محسوب میشوند. میتوان چنین نتیجه گرفت که بیش از ۲,۶ میلیون نفر کودک کار در کشور وجود دارد.

در صد کودکان کار و محصل به کل کودکان ۱۰ تا ۱۸ سال^{۳۰}

سال	محل	% کودکان کار	% کودکان خانه دار	% محصل
۱۳۷۵	کل	۱۱,۰۶	۰,۳۴	۷۲,۸۹
	شهری	۷,۳۹	۰,۲۳	۸۱,۷۳
	روستائی	۱۶,۶	۰,۵	۵۹,۵۵
۱۳۸۵	کل	۱۲,۷	۶,۹	۷۲,۶
	شهری	۹,۶	۵,۰	۷۸,۴
	روستائی	۱۸,۳	۱۰,۴	۶۲,۱

در همین سال در بعضی از مناطق روستائی و یا شهرهای محروم درصد کودکان کار و کودگانی که به کارهای خانگی اشتغال دارند به ۲۸٪ هم میرسد. به نظر میاید که سیاست مرکز آمار از جدا کردن این دو گروه (کودکان کار و خانه دار) به این معنی است که گروه دوم را جزء کودکان کار محسوب نمیکند. در حالی که این کودکان با بیش از ۱۲ تا ۱۵ ساعت کار در روز بعنوان خدمتکار زندگی مشقت باری دارند.

شهرها و مناطقی که در صد بالائی از کودکان کار را دارند به %

شهر	کودکان کار	خانه دار	محصل
آذربایجان غربی	۱۵,۵	۱۳,۱۰	۶۵,۰۱
آذربایجان شرقی	۱۵,۲۶	۷,۳۹	۷۱,۱۴
خراسان جنوبی	۲۱,۰۱	۳,۹۵	۶۹,۱۶
سیستان و بلوچستان	۱۵,۴۲	۱۱,۰۸	۶۰,۵۳
یزد	۱۵,۶۶	۵,۰۷	۷۳,۹۹
کردستان	۱۵,۴۰	۱۲,۷۸	۶۷,۰۴
همدان	۱۳,۳۳	۱۰,۶۵	۶۹,۷۶

در مورد کودکان کار و ارزیابی از تعداد آنها خبرگزاری ایسنا به نقل از فرشید یزدانی مدیر عامل انجمن حمایت از حقوق کودکان، با استناد به آمارهای انتشار یافته سال ۸۵ توسط مرکز آمار ایران نوشت: "از مجموع ۱۳ میلیون و ۲۵۳ هزار کودک رده سنی ۱۰ تا ۱۸ سال کشور، ۳ میلیون و ۶۰۰ هزار کودک، خارج از چرخه تحصیل و یک میلیون و ۶۷۰ هزار کودک بطور مستقیم درگیر کار بوده‌اند. به عبارت دیگر در سال ۸۵، متجاوز از ۵/۲۷ درصد از کودکان رده سنی فوق، از تحصیل و مدرسه محروم و نزدیک به ۱۳ درصد آن‌ها را کودکان کار تشکیل می‌دادند. که هر دو رقم، نسبت به سال ۷۵ به نحو چشمگیری افزایش یافته است. در مورد ترکیب جنسیتی و محل سکونت کودکان کار، گفته شده است که از یک میلیون و ۶۷۰ هزار کودک کار، یک میلیون و ۳۰۰ هزار نفر (۱۹,۳٪) پسر و ۳۷۰ هزار نفر (۵,۸٪) دختر هستند، که ۶۷۴ هزار نفر از پسران و ۱۵۰ هزار نفر از دختران در شهرها و مابقی در روستاها زندگی می‌کنند". ایسنا، در ادامه گزارش خود به نقل از یزدانی مدیر عامل انجمن حمایت از حقوق کودکان می‌نویسد: "علاوه بر وجود یک میلیون و ۶۷۰ هزار کودک کار در کشور، ۹۱۵ هزار کودک با عنوان "کودک خانه‌دار" توسط مرکز آمار ایران ثبت شده است که ۹۰۴ هزار نفر آن‌ها را دختران و مابقی را پسران تشکیل می‌دهند که آنها نیز در زمره کودکان کار محسوب می‌شوند، فرشید یزدانی می‌گوید: در مجموع حدود ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار کودک در کشور مشغول به کار هستند!"^{۳۱}

پدیده جهانی کودکان خیابانی عریان ترین چهره فقر و فلاکت در کشورهای جهان سوم است. بطوریکه میلیونها کودک هیچ راه دیگری برای زنده ماندن ندارند جز زندگی در خیابانها. ارزیابیها نشان میدهد که در حال حاضر بیش از ۱۰۰ میلیون کودک خیابانی در جهان وجود دارد که تقریباً نیمی از آنها در کشورهای آمریکای لاتین، و بقیه عمدتاً در کشورهای آفریقایی و آسیایی به سر می‌برند. در آمریکای لاتین، حدود ۴۰ میلیون کودک و نوجوان بدون هیچ گونه حمایتی در خیابانها به سر می‌برند. در برزیل هفت میلیون کودک در خیابانها زندگی میکنند و در هند کودکان بی‌خانمان یا خیابانی را ۴۴ میلیون نفر تخمین زده‌اند. در کنیا این میزان در حدود ۱۶۰ هزار نفر است، در آنکارا و استانبول، دو شهر بزرگ ترکیه، نزدیک به ۱۰ هزار کودک خیابانی وجود دارد.^{۳۱}

در ایران هم مانند سایر کشورها دیگر پدیده کودکان خیابانی پیچیده تر و بغرنج تر از کودکان کار به نظر میرسد. زیرا غیر از فقر، تهیدستی و ناتوانی خانواده‌ها در تامین حداقلهای زندگی، مسائل اجتماعی دیگر هم در آوارگی کودکان دخالت دارند. کودکانی که بطور مرتب مورد خشونت جسمی، روحی و بد رفتاری و یا تجاوز افراد نزدیک خانواده قرار میگیرند. کودکان روستائی که برای ادامه زندگی راه دیگری غیر از مهاجرت و زندگی خیابانی ندارند و باز مهاجرین افغانی که خود و خانواده با فقر و درماندگی شدید و بی‌خانمانی روبرو هستند. کودکان خیابانی هم جزء کودکان کار محسوب میشوند زیرا تقریباً تمام آنها به شیشه شوری ماشینها، واکس زنی، گل فروشی، فروش کالاهای کوچک، و گاه نظافت در خانه‌ها و مغازه‌ها مشغول هستند.

مانند سایر موارد، آمار دقیقی از کودکان خیابانی در دست نیست اما بنا بر گزارشهای غیر رسمی تعداد آنها را بیش از ۲ میلیون نفر ارزیابی میکنند. گفته میشود که تنها در تهران بیش از ۲۰ هزار کودک خیابانی با سرپرست یا بدون سرپرست وجود دارد. افزایش کودکان خیابانی در سالهای اخیر منحصر به تهران نبوده و در تمام شهرهای بزرگ دیگر مانند مشهد، شیراز و اصفهان هم تعداد کودکان خیابانی رو به افزایش است. دکتر مجید ابهری متخصص علوم رفتاری در گفتگویی با خبرگزاری مهر در سال گذشته از افزایش ۱۰ درصدی کودکان خیابانی بد سرپرست و بی‌سرپرست در سطح شهر خبر داد. این محقق و استاد دانشگاه تاکید کرد که در شهرهای اطراف تهران مانند کرج، ورامین، پاکدشت، قیام دشت و... تعداد کودکان خیابانی افزایش یافته است.^{۳۲}

در رابطه با مشکلات کودکان خیابانی، طاهره رستمی مدیر سازمان بهزیستی استان تهران در مصاحبه‌ای با خبرگزاری ایلنا در ۳۰ مرداد سال ۱۳۸۸ اعلام کرد که "شمار کودکان خیابانی استان تهران طی یک سال گذشته دو برابر شده است. این کودکان با مشکلات بسیاری روبرو هستند که مشکلات در زمینه سلامتی تنها یکی از آنها است. وی اضافه کرد که ۷۳٪ کودکان خیابانی از بیماریهای چشمی مختلف رنج میبرند. ۶۱٪ آنها به بیماریهای تنفسی مبتلا هستند، ۶۴٪ از بیماریهای قلبی رنج میبرند و ۸۲٪ بیماریهای پوستی دارند. در همین رابطه وی اضافه کرد که ۵۶٪ کودکان خیابانی بی‌سواد هستند و ۶۱٪ مشکلات گفتاری دارند. و باز طبق آمار مرکز بهزیستی حدود ۸۰٪ کودکان خیابانی ایران، کودکان کار هستند زیرا خانواده آنها دچار مشکلات زیادی در تامین معاش خانواده اند".^{۳۳}

در کنار کودکان کار و کودکان خیابانی که نمادی از وضعیت اسفبار اقتصادی، بیکاری، گرانی، تورم و در نتیجه فقر و درماندگی اکثریت مردم است موضوع دیگری که باز در همین رابطه باید مورد ارزیابی قرار گیرد، اعتیاد بویژه اعتیاد کودکان زیر ۱۸ سال است. اعتیاد به مواد مخدر کودکان در سالهای اخیر به گونه ای است که مسئولین نمیتوانند دیگر آنرا پنهان کنند. سازمان ملی جوانان که یک نهاد دولتی است اعلام کرد که در سال ۱۳۸۶ شمار معتادان زیر ۱۸ سال بیشتر از ۱ میلیون نفر است. پائین ترین سن از ۱۷ سال در سال ۱۳۸۵ به ۱۳ سال در سال ۱۳۸۷ کاهش یافته است و روزانه ۳۰۰ نفر به کل معتادان زیر ۱۸ سال اضافه میشود.

کودک همسری

کودک همسری هم موضوعی است که در رژیم جمهوری اسلامی و در چند سال اخیر بیشتر در مورد آن صحبت میشود. همانطور که فقر و فلاکت شدید خانوادهها علت اصلی بوجود آمدن و افزایش تعداد کودکان کار و کودکان خیابانی است، کودک همسری هم درماندگی و تهیدستی خانوادهها در نگهداری و تامین زندگی کودکان را مشخص میکند. عوامل دیگری از جمله فرهنگ سنتی-مذهبی، تبلیغ و ترویج آن از طرف رژیم اسلامی را میتوان جزء فاکتورهای دانست که به این معضل اقتصادی ابعادی اجتماعی داده است. خانواده هائی که در تامین مخارج کودکان خود بازمانده اند، ازدواج کودکان دختر را راه حلی برای برون رفت از فلاکت و درماندگی میدانند. ازدواج دختران خرد سال با مردانی که چند برابر سن آنها را دارند باز هم نشانه مشخص فقر و درماندگی مردم است. کودکان که از هر نظر توانائی زندگی مستقل را ندارند و همیشه به کمکهای خانواده وابسته اند با ازدواج مسئولیتی به آنها داده میشود که خود به آن آگاهی ندارند.

فرشید یزدانی پژوهشگر و فعال حوزه کودکان در مصاحبه ای با ایسنا در دی ماه سال ۱۳۸۷ به پدیده "کودک همسری" اشاره کرد و از وجود حدود ۸۴۸ هزار «کودک همسر» در کشور در سال ۱۳۸۵ خبر داد. او گفت " حدود ۷٪ از کودکان بین ۱۰ تا ۱۸ ساله کشور تا سال ۱۳۸۵ ازدواج کرده اند که این درصد بالغ بر حدود ۸۴۸ هزار کودک اعم از دختر و پسر می شود. بر اساس آمار ارائه شده تعداد ۲۵ هزار کودک هم طلاق گرفته اند. حدود ۱۱ هزار و ۸۰۰ نفر از این کودکان به دلیل مرگ، همسر خود را از دست داده اند. یزدانی مطرح کرد که ۴۹۰ هزار نفر از مجموع کودکان ازدواج کرده، در نقاط شهری و ما بقی در نقاط روستائی زندگی می کنند".^{۳۴}

وضعیت و شرایط اقتصادی زنان

فقر، تهیدستی و درماندگی اقتصادی زنان قدمتی تاریخی دارد و تنها به نظم سرمایه داری منتهی نمیشود. اما از آنجائی که ما در این دوران بسر میبریم منطقی است که معضلات و مشکلات اقتصادی زنان را در همین مناسبات مورد ارزیابی قرار دهیم.

مزد کمتر به ازاء کار برابر، تقسیم نابرابر پستهای کاری، میزان نرخی بیکاری بیشتر و تبعیضهای دیگر جنسیتی عواملی هستند که زنان در سطح جهانی با آن مواجه اند. با وجود این، فکتورهای دیگری در افزایش و یا کاهش فقر زنان دخالت دارند. از جمله میزان و یا درجه رشد صنعتی در ایجاد امکان اشتغال هم میتواند به عنوان یک عامل در نظر گرفته شود. زمینه های امکان اشتغال و تنوع آن در کشورهای پیشرفته صنعتی اساسا با کشورهای خاورمیانه، آسیای شرقی، جنوبی و قاره آفریقا قابل مقایسه نیستند. به همین دلیل در کشورهای به اصطلاح در حال رشد در صد بالائی از جوانان و زنان با مشکل همیشگی بیکاری روبرو هستند.

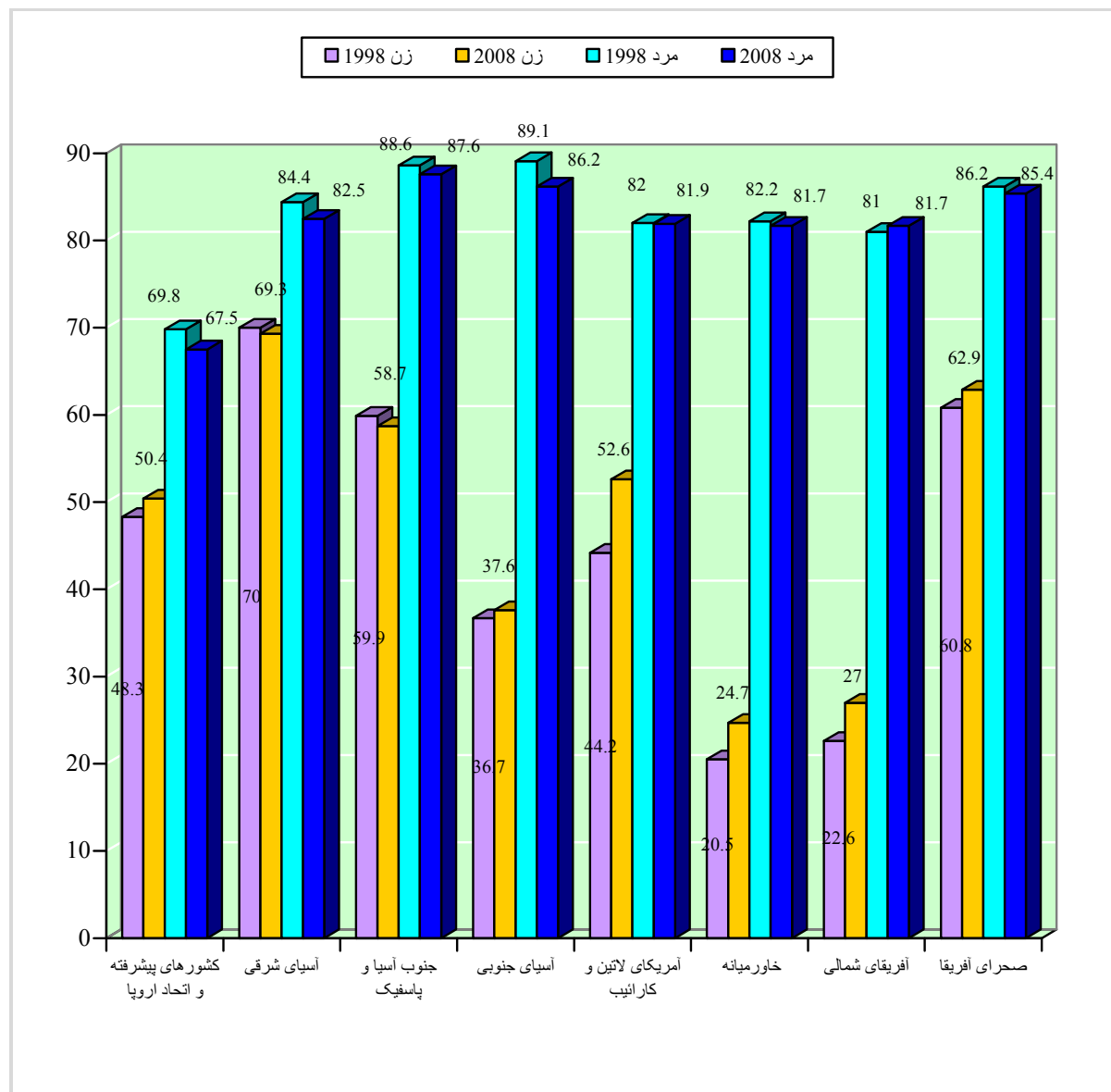
علاوه بر رشد ناموزون سرمایه داری، عوامل فرهنگی و مذهبی هم در تمام کشورهای جهان سوم بویژه آفریقائی، آسیائی و خاورمیانه در فقر و نداری زنان تعیین کننده هستند. مدرنیته و دمکراتیزاسیون قرن ۱۸ در اروپا دستاوردهای قابل ملاحظه ای در کاهش شکافهای فرهنگی، مذهبی و اجتماعی برای زنان در آن دوران داشت. شرکت زنان در فعالیت اقتصادی و اجتماعی بدون مبارزه با آداب و رسوم سنتی-مذهبی امری غیر ممکن بود. در حالی که هنوز در نیمه قرن ۲۱ در بسیاری از کشورهای جهان سوم سنت، مذهب و در نتیجه فرهنگ مردسالارانه ریشه های عمیق و جا افتاده ای در بین مردم (زن و مرد) دارند، که فعالیت اقتصادی و استقلال مالی زنان را با مشکلات زیادی روبرو می سازد. در همین رابطه رژیمهای مذهبی مثل جمهوری اسلامی، عربستان سعودی یا کشورهای هائی که به هر حال مذهب اسلام و قوانین شرعی و حقوقی جایگاه مخصوص خود را دارند وضعیت زنان اسفبار تر است. در این کشورها تبعیض و نابرابری رسمی و قانونی است.

بعلت تبعیضهای جنسیتی و گسترش فقر زنان در سراسر جهان، و از همه مهمتر مبارزات زنان بویژه در اروپا، دولتها و سازمانهای بین المللی برنامه هائی را برای بهبود وضعیت زنان در دستور کار قرار دادند. به همین دلیل در دو دهه اخیر شاهد تغییراتی در بهبود وضعیت کلی زنان در کشورهای اسکاندیناوی هستیم. ولی در مورد کشورهای دیگر بخصوص آفریقائی و خاورمیانه که درماندگیهای اقتصادی و مشکلات مذهبی و فرهنگی با هم عمل میکنند راه درازی برای مبارزه در پیش است.

کار زنان و تبعیضهای جنسیتی

از آنجائی که نمیتوان وضعیت اقتصادی و فقر زنان را بدون در نظر گرفتن شکافها و تبعیضهای جنسیتی مورد بحث قرار داد مقایسه بین دو جنس در آمارها امری است اجتناب ناپذیر. به همین دلیل قبل از هر موضوعی بهتر است به نمودار زیر در مورد فعالیت اقتصادی (کار) در سالهای ۱۹۹۸ و ۲۰۰۸ بر حسب تفکیک جنسی در نواحی مختلف جهان توجه داشت.

نسبت کار یا اشتغال بزرگ سالان بر حسب تفکیک جنسیتی و منطقه ای در ۲۰۰۸-۱۹۹۸^{۳۵}

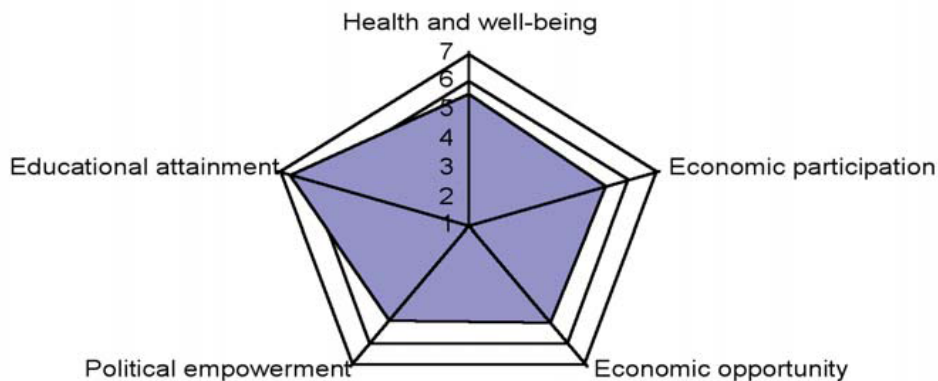


همانطور که نمودار نشان می‌دهد حتی در کشورهای صنعتی اروپایی که مبارزات زنان در تمامی زمینه‌ها پیشرفته‌تر از سایر نقاط جهان است، ولی میزان مشارکت زنان در عرصه اقتصادی نسبت به مردان بسیار پایین‌تر است. و همانگونه که توضیح داده شد این نابرابری در کشورهایی که فرهنگ مذهبی-سنتی بیشتر اعمال می‌شود و یا مذهب دین رسمی دولتهاست تبعیض و نابرابری هم نمود مشخص‌تری دارد. سهم بسیار پایین شرکت زنان در کار و اشتغال در خاورمیانه و آفریقای شمالی صحت این ادعا را تأیید می‌کند.

فرم اقتصاد جهانی در سال ۲۰۰۵ در مورد شرایط زنان بین ۵۸ کشور جهان مطالعه‌ای انجام داده است که شامل مشارکت در عرصه اقتصادی، فرصتهای کاری، بهداشت و سلامتی، فعالیت و مشارکت

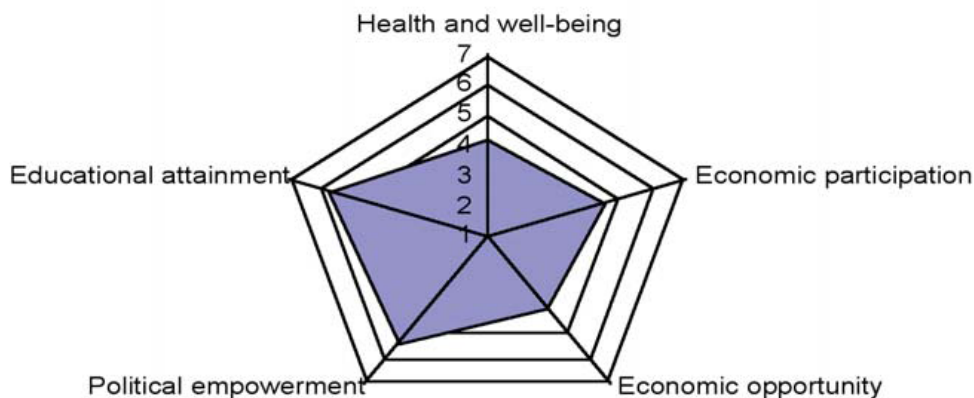
در امور سیاسی (پارلمانی) و بالاخره آموزش و پرورش است. نتیجه این پژوهش بصورت نمودار ارائه شده است که عدد ۷ بهترین حالت و نزدیک شدن به عدد ۱ بدترین وضعیت برای هر مورد را نشان میدهد. متأسفانه ایران در بین کشورهای مورد مطالعه قرار ندارد. ولی چند کشور انتخاب شده وضعیت کلی زنان در چند نقطه از جهان را ترسیم میکند.

سوئد ردیف ۱ از بین ۵۸ کشور مورد مطالعه^{۳۶}

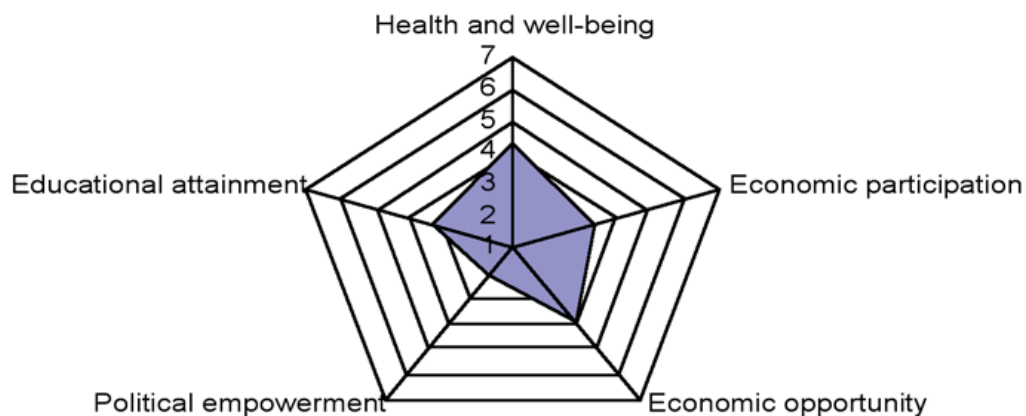


تقریباً در تمام کشورهای اسکاندیناوی شرایط زنان در زمینه های آموزش و پرورش و اقتصادی با تمام کشورهای اروپائی دیگر و آمریکا متفاوت است. وضعیت آموزشی و اقتصادی زنان که ارتباط مستقیمی با هم دارند در کشورهای جهان سوم مانند مصر اساساً با این کشورها قابل مقایسه نیست.

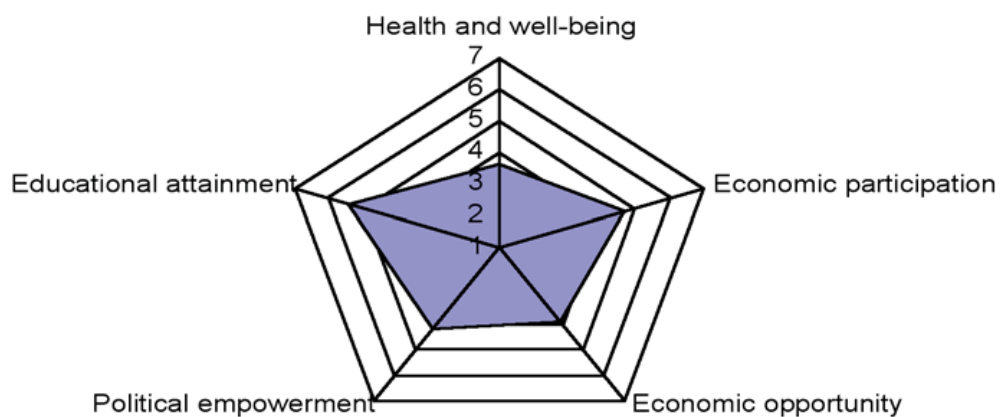
انگلستان ردیف ۸



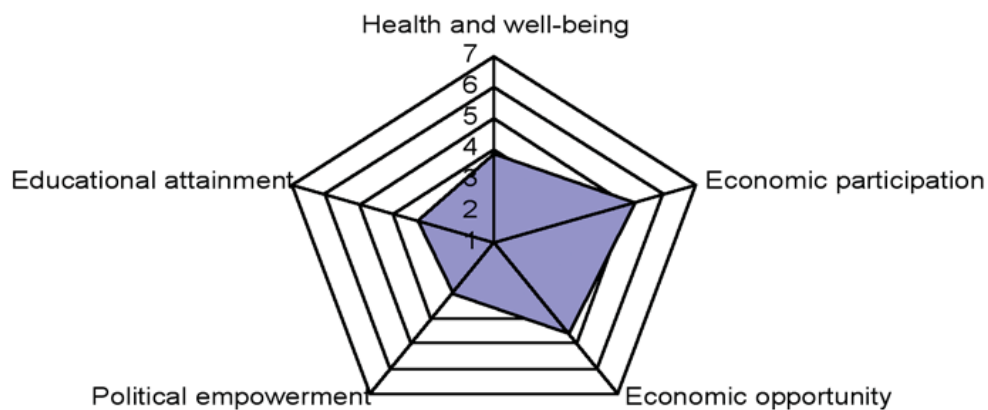
یونان ردیف ۵۰

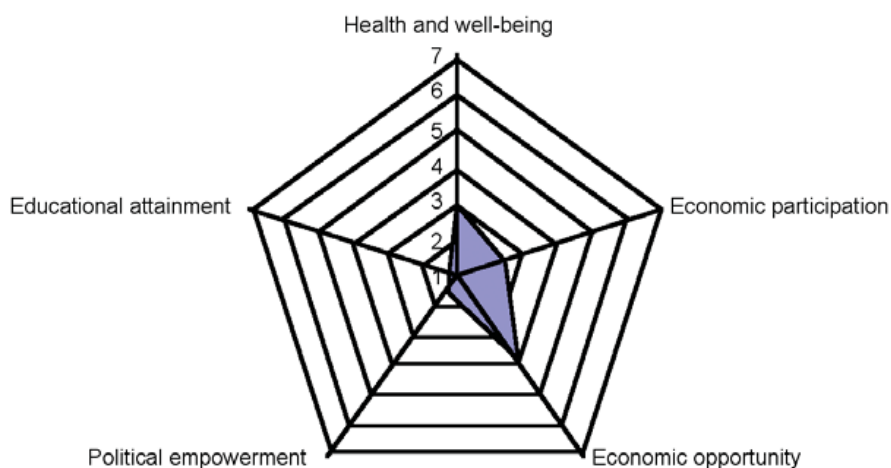


آمریکا ردیف ۱۷



چین ردیف ۳۳





وضعیت زنان از نظر شرایط اقتصادی و آموزشی در اکثر کشورهای جهان سوم کم و بیش مشابه وضعیت اسفبار زنان در مصر است.

برای آگاهی و مقایسه وضعیت و شرایط اقتصادی زنان در چند کشور جهان با تفاوت‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی از داده‌های بانک جهانی استفاده شده است که اطلاعات مناسبی در اختیار ما قرار میدهد.

فعالیت زنان در بخش کشاورزی به % ۳۷

کشور	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸
آرژانتین	۰,۶	۰,۳	۰,۷	۰,۵
شیلی	۵,۸	۵,۸	۵,۶	-----
کلمبیا	۸,۴	۶,۷	۶,۴	-----
مصر	۴۶,۵	۴۳,۳	-----	-----
فرانسه	۲,۳	۲,۲	۲,۱	۱,۹
آلمان	۱,۷	۱,۶	۱,۶	۱,۶
ایران	۳۴,۲	-----	۳۳,۱	-----
پاکستان	۶۷,۳	۶۸,۸	۷۲,۴	-----
آفریقای جنوبی	۶,۰	۷,۸	۶,۵	-----
تایلند	۴۰,۷	۴۰,۵	۴۰,۰	-----
ترکیه	۵۱,۶	۴۸,۵	۴۷,۳	۴۶,۰

در صد قابل توجهی از زنان که در ایران، تایلند، ترکیه، پاکستان و یا کشورهای از این نوع در بخش کشاورزی کار میکنند، علیرغم سختی کار و ساعات طولانی فاقد دستمزد هستند. آنها بیشتر بصورت خانوادگی کار میکنند و بطور مستقیم سهمی از کار مشترک نمیبرند. بر عکس زنان کشاورز در فرانسه، آلمان یا سایر کشورهای اروپائی که هم در تقسیم درآمد سهم هستند و هم در تصمیم گیرهای اقتصادی.

فعالیت زنان در بخشهای صنعتی به %

کشور	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸
آرژانتین	۱۱,۰	۱۰,۹	۱۰,۴	۱۱,۰
شیلی	۱۱,۵	۱۱,۳	۱۰,۹	-----
کلمبیا	۱۶,۱	۱۵,۸	۱۵,۵	-----
مصر	۵,۰	۶,۰	-----	-----
فرانسه	۱۲,۱	۱۱,۷	۱۱,۵	۱۱,۲
آلمان	۱۶,۱	۱۶,۱	۱۶,۰	۱۵,۹
ایران	۲۸,۴	-----	۲۹,۱	-----
پاکستان	۱۵,۰	۱۵,۰	۱۲,۶	-----
آفریقای جنوبی	۱۳,۷	۱۳,۷	۱۳,۶	-----
تایلند	۱۸,۷	۱۹,۰	۱۹,۲	-----
ترکیه	۱۵,۱	۱۵,۰	۱۴,۸	۱۴,۷

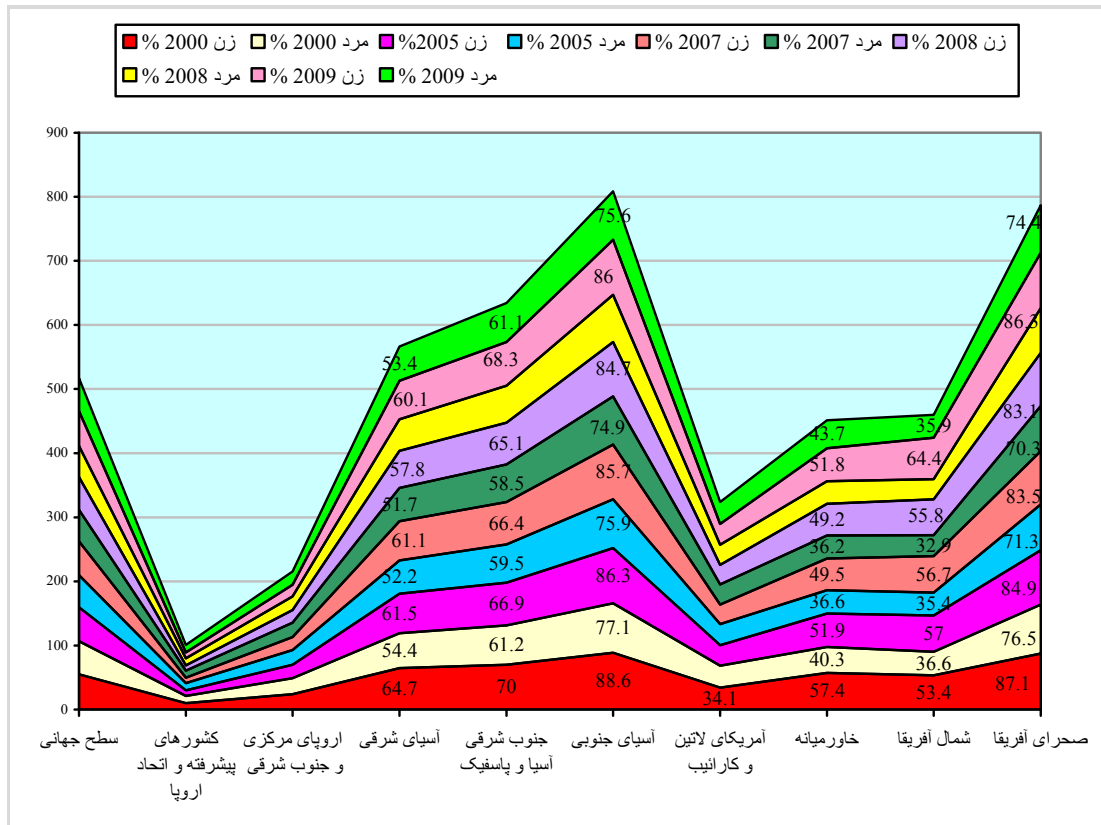
تفاوت در صد بالای مشارکت و فعالیت زنان در بخش صنعتی در تایلند، کلمبیا، پاکستان و ایران با کشورهای بزرگ صنعتی مانند فرانسه و آلمان بیشتر مربوط است به وجود تعداد زیاد کارگاهها و مراکز تولیدی کوچک و متوسط در این کشورها. استخدام زنان برای صاحبان این بخش از صنعت بعلت دستمزد بسیار پائین و ساعات کار بیشتر (گاهها ۱۲ ساعت در روز) سود آورتر از استخدام مردان است. در ضمن بعضی از مراکز تولیدی اساساً "زنانه" هستند مانند سری دوزیها، اسباب بازی سازیها و یا بخشهای الکترونیکی که نیاز به ظرفیت کار بیشتر دارند.

فعالیت زنان در بخشهای خدماتی به %

کشور	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸
آرژانتین	۸۸,۰	۸۸,۵	۸۸,۸	۸۸,۲
شیلی	۸۲,۷	۸۲,۹	۸۳,۵	-----
کلمبیا	۷۵,۵	۷۷,۴	۷۸,۱	-----
مصر	۴۸,۴	۵۰,۶	-----	-----
فرانسه	۸۵,۳	۸۵,۸	۸۶,۱	۸۶,۰
آلمان	۸۲,۱	۸۲,۳	۸۲,۳	۸۲,۵
ایران	۳۷,۴	-----	۳۷,۸	-----
پاکستان	۱۷,۶	۱۶,۲	۱۵,۰	-----
آفریقای جنوبی	۸۰,۲	۷۸,۴	۷۹,۷	-----
تایلند	۴۰,۵	۴۰,۳	۴۰,۷	-----
ترکیه	۳۳,۳	۳۶,۵	۳۷,۹	۳۹,۳

همانگونه که ملاحظه میشود درصد بالایی از زنان در این بخش اشتغال دارند. آموزش و پرورش، کارهای بیمارستانی، اداری، فروشنده‌گی، رستورانی (به غیر از ایران و احتمالاً پاکستان) و در صد قابل ملاحظه ای از زنان که به کارهای خانگی (کارگر خانگی) اشتغال دارند.

زنان و مردانی که به (کارکنان آسیب پذیر) معرف هستند به % ۳۸



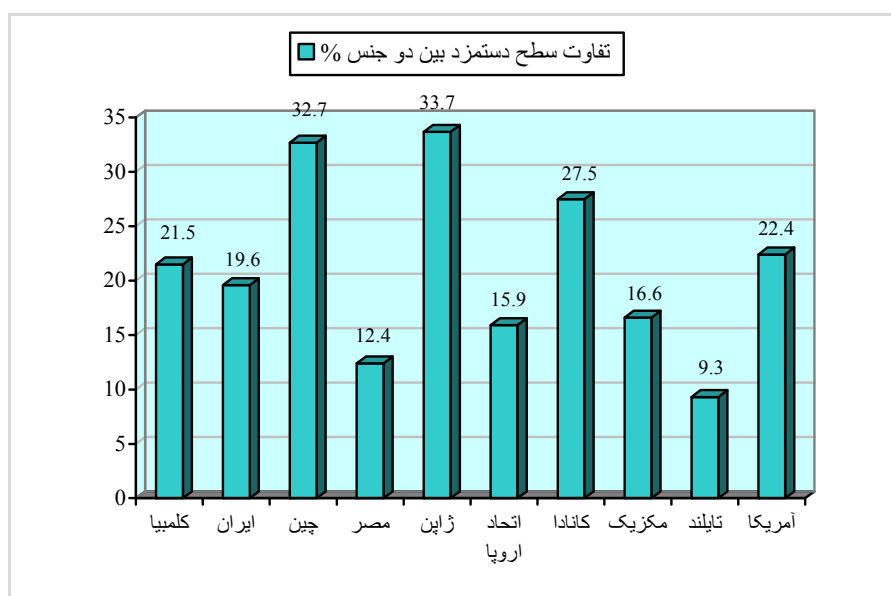
برای جلوگیری از تراکم و ناخوانائی، آمار چند منطقه جغرافیائی حذف شده است. در تمام آمارها ارائه شده در جدولهای و در نمودار ایران جزء کشورهای خاورمیانه در نظر گرفته شده است. این توضیح به این دلیل است که بعضی دیگر از سازمانها بین المللی ایران را جزء کشورهای آسیائی در نظر میگیرند.

زنانی که به عنوان کارکنان (اسیب پذیر) معرف هستند به % ۳۷

کشور	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸
آرژانتین	۱۸,۶	۱۷,۳	۱۷,۰	۱۵,۹
شیلی	۲۳,۸	۲۴,۵	۲۳,۹	۲۱,۵
کلمبیا	۴۳,۸	۴۳,۸	۴۰,۷	۴۱,۶
مصر	۴۵,۴	۴۳,۵	-----	-----
فرانسه	۵,۴	۵,۶	۵,۰	۴,۸
آلمان	۶,۷	۶,۶	۶,۷	۶,۲
ایران	۵۶,۴	-----	۵۶,۱	-----
پاکستان	۶۸,۷	۷۴,۲	۷۵,۳	-----
آفریقای جنوبی	-----	-----	۳,۳	-----
تایلند	۵۵,۶	۵۵,۴	۵۵,۹	-----
ترکیه	۵۵,۳	۵۲,۱	۵۰,۲	۴۹,۰

زنان و مردان که تحت عنوان گروه (اسیب پذیر) طبقه بندی شدند به کسانی گفته میشود که دستمزد ناچیز و غیر دائمی دارند. اکثر کسانی که بطور فصلی یا موقتی کار میکنند (کارگران ساختمانی)، خوشه چینها یا افرادی که در کارگاههای قالی بافی، کارگاههای خانگی، یا خدمتکاران دائمی بدون دستمزد در خانه ثروت مندان همه جزء این گروه هستند. تقریباً تمام این گروه از بیمه درمانی و بیکاری، حق مرخصی سالانه، مرخصی بیماری و حق بازنشستگی محروم هستند. همانطور که ملاحظه میشود درصد زنانی که به این نوع کارها اشتغال دارند در کشورهای عقب مانده صنعتی بالاتر است.

تفاوت دستمزد بین زن و مرد در چند کشور در سال ۲۰۰۶^{۳۹}



در مورد تفاوت بالای سطح دستمزدها بین دو جنس در کشورهای بزرگ و پیشرفته سرمایه داری آمریکا و کانادا به چند نکته میتوان اشاره کرد. در این دو کشور در مقایسه با اروپا قوانین مربوط به کار و دستمزد سخت و محدود کننده نیستند. سندیکاهای کارگران و کارکنان چندان قدرتی در این دو کشور ندارند و دست سرمایه داران و صاحبان کار برای سوء استفاده بازر است. در هر دو کشور در صد بالائی از مهاجرین وجود دارند که مجبورند با قیمت ارزانتر کار کنند. اما در مورد ژاپن که دومین قدرت اقتصادی دنیا است بیشتر به بافت فرهنگی و سنتی این جامعه میتوان اشاره کرد. عیلاغم پیشرفتهای صنعتی و علمی در این کشور هنوز شکافها و تبعیضها بین دو جنس بخش مهمی از روابط، فرهنگی و اجتماعی جامعه است. در ضمن مبارزات زنان در این امپراطوری هنوز ابتدائی تر از آن است که بتواند جنبش برابری طلبانه زنان را سازماندهی کند.

بیکاری زنان و مردان رده سنی بین ۱۵-۲۴ سال به % ۴۰

کشور	۲۰۰۵		۲۰۰۶		۲۰۰۷		۲۰۰۸	
	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن
آرژانتین	۲۱,۶	۲۸,۰	۱۹,۰	۲۹,۳	۱۹,۵	۲۹,۹	۱۶,۰	۲۴,۰
شیلی	۱۵,۲	۲۱,۰	۱۳,۹	۱۷,۳	۱۶,۲	۲۲,۷	۱۶,۹	۲۲,۵
کلمبیا	۱۷,۷	۲۹,۶	۱۹,۵	۳۱,۵	۱۶,۳	۲۷,۵	-----	-----
مصر	۲۳,۳	۶۲,۷	-----	-----	-----	-----	-----	-----
فرانسه	۱۹,۲	۲۱,۵	۲۰,۱	۲۲,۹	۱۸,۰	۱۹,۶	۱۸,۲	۱۸,۰
آلمان	۱۶,۸	۱۳,۹	۱۴,۸	۱۲,۵	۱۲,۶	۱۱,۱	۱۱,۰	۹,۹
ایران	۲۰,۳	۳۲,۱	-----	-----	۲۰,۰	۳۰,۲	-----	-----
پاکستان	-----	-----	۸,۴	۹,۶	۷,۱	۸,۶	-----	-----
آفریقای جنوبی	-----	-----	-----	-----	۴۳,۰	۵۲,۰	-----	-----
تایلند	۴,۹	۴,۶	۴,۴	۵,۳	۴,۶	۴,۳	-----	-----
ترکیه	۱۹,۳	۱۹,۳	۱۵,۸	۱۶,۵	۱۶,۸	۱۶,۷	۱۸,۱	۱۸,۰

همانطور که توضیح داده شد بیکاری یکی از دلایل مهم فقر و تهیدستی است. ولی در سراسر دنیا اشتغال و یا کار به معنی گریختن از درد و رنج فقر نیست. در صد بالائی از زنان بخصوص در کشورهای جهان سوم بدلیل، میزان تحصیلات پائین، به کارهای غیر حرفه ای و غیر تخصصی اشتغال دارند. دستمزد ناچیز آنها هرگز برای هزینه و مخارج یک زندگی "معمولی" کافی نیست. بعلاوه این گروه از مزد بگیران بیش از حرفه های شغلی دیگر در خطر اخراج و بیکاری قرار دارند، بویژه در زمان بحرانهای اقتصادی مانند بحرانی که از نیمه سال ۲۰۰۸ شروع شده است و همچنان ادامه دارد.

جمعیتی که با فقر شدید کمتر از ۱,۲۵ دلار در روز زندگی میکند به تفکیک دو جنس^{۴۱}

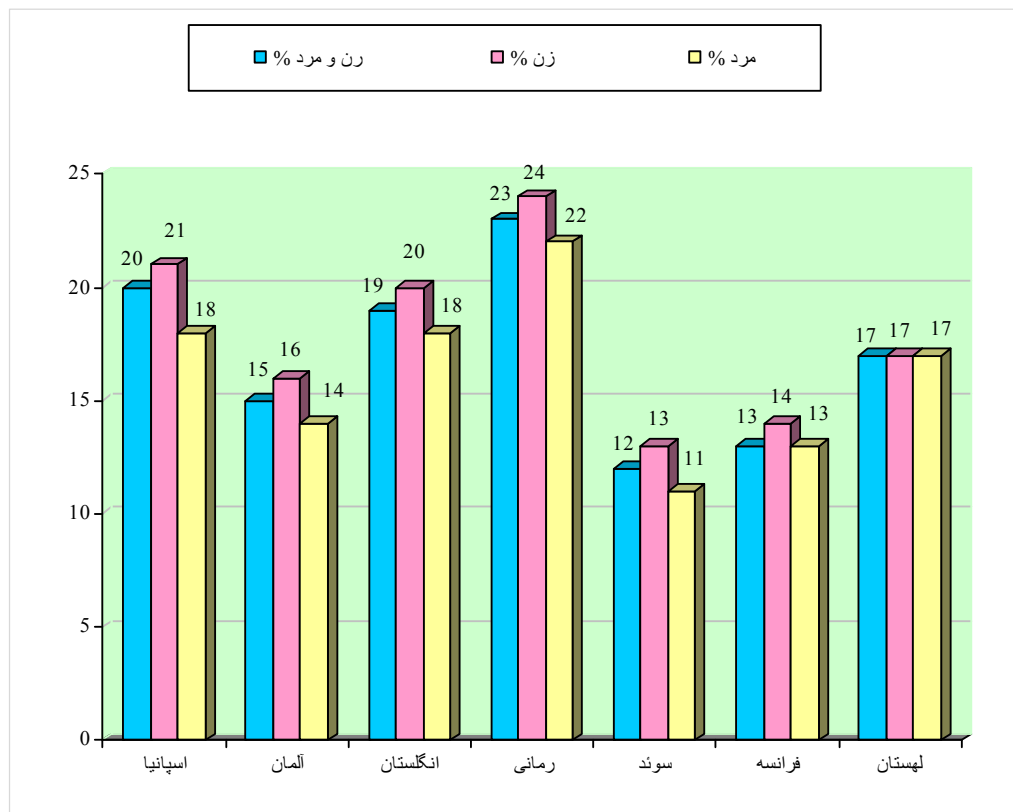
منطقه جغرافیائی	زن به میلیون	مرد به میلیون	مجموع
در سطح جهانی	۸۲۹۰۴۷۰۰۰	۵۲۲۳۴۹۰۰۰	۱,۴ میلیارد
آفریقا	۲۱۴۳۶۵۰۰۰	۱۵۸۳۴۳۰۰۰	۳۷۳ میلیون
آمریکا	۲۷۱۶۹۰۰۰	۱۸۶۲۸۰۰۰	۴۶ میلیون
آسیا	۵۷۵۵۷۳۰۰۰	۳۳۷۰۱۹۰۰۰	۹۱۳ میلیون
اروپا	۱۱۹۴۰۰۰	۸۳۵۹۰۰۰	۲۰ میلیون

گزارش سال ۲۰۰۹ سازمان جهانی کار (تحقیقات سال ۲۰۰۵)

بیکاری و فقر زنان

فقر زنان و مردان و مقایسه بین دو جنس در چند کشور اروپائی.

نسبت زنان و مردانی که با کمتر از ۶۰٪ در آمد متوسط زندگی میکنند در سال ۲۰۰۸^{۴۲}



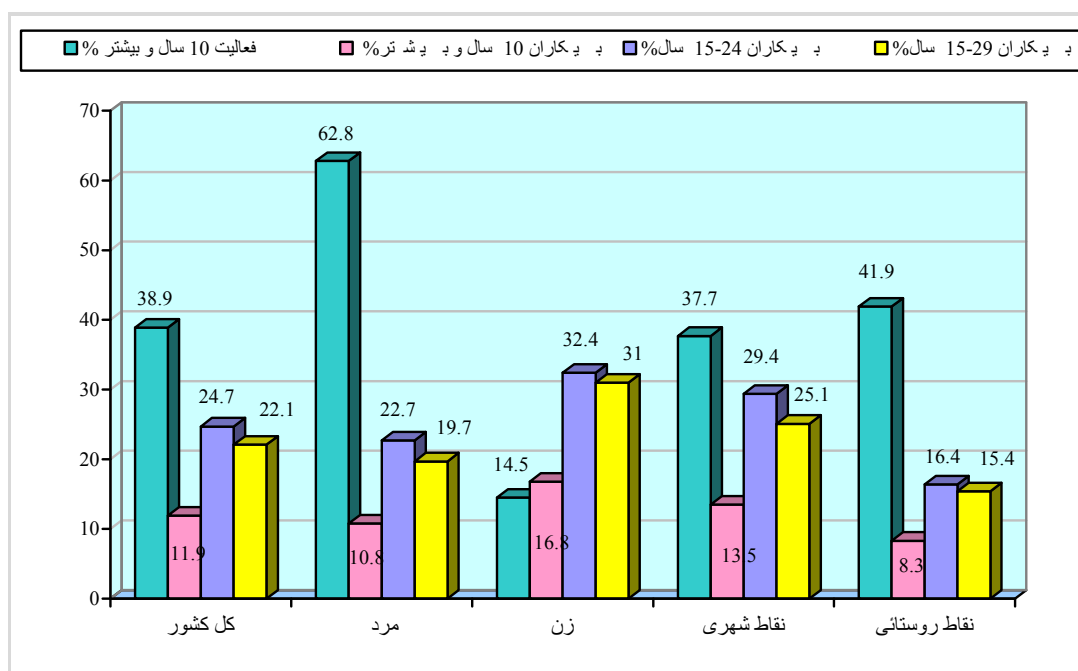
برای روشن تر شدن وضعیت کلی اقتصادی زنان در ایران و برجسته کردن تبعیضهای جنسیتی و همچنین فقر و تهیدستی آنها میتوان به تحقیقات فرم اقتصاد جهانی مراجعه کرد.

نتیجه تحقیقات فرم اقتصاد جهانی در مورد ایران سال ۲۰۰۹^{۴۳}

فاکتورهای اقتصادی	زنان	مردان	نسبت زنان به مردان
نیروی کار	۳۳	۷۷	۰,۴۳
درآمد به دلار آمریکا	۵,۷۷	۱۴,۱۵	۰,۴۱
کادرها و متخصصین	۱۳	۸۷	۰,۱۵
کارکنان حرفه ای	۳۴	۶۶	۰,۵۱
درصد بیکاران بزرگ سال	۱۵,۷۲	۹,۲۹	-----

با توجه به قیمت کالاهای مصرفی و بطور کلی هزینه‌های روزانه مردم سطح دستمزد مردان که بطور متوسط ۱۴,۱۵ دلار در روز اعلام شده است گویای گستردگی فقر در ایران است. در واقع درآمد متوسط ۵,۷۷ دلار در روز زنان تنها شکاف بین دو جنس را مطرح نمیکند بلکه فقر شدید آنها را برجسته میسازد.

نیروی کار به تفکیک جنس در نقاط شهری و روستایی نسبت به کل جمعیت فعال در ایران سال ۱۳۸۸^{۴۴}



دولت جمهوری اسلامی در شرایطی از تک رقمی شدن آن سخن می‌گوید که شمار قابل ملاحظه‌ای از واحدهای تولیدی ایران تعطیل شده و واحدهای موجود نیز زیر ظرفیت خود کار می‌کنند. به گفته مسعود میرکاظمی: وزیر بازرگانی، ۳۰ تا ۳۵ درصد از ظرفیت‌های تولیدی کشور خالی مانده است. و در گزارش سال ۲۰۰۸ بانک جهانی تحت عنوان «Doing Business» ایران از لحاظ «فضای کسب

و کار» در بین ۱۷۸ کشور جهان، در ردیف ۱۳۵ قرار گرفته است. در این شرایط محافل کارشناسی و سخنگویان اتحادیه‌های کارگری، نرخ بیکاری اعلام شده از سوی دولت و مرکز آمار ایران را ساختگی تلقی می‌کنند. در همین رابطه بعثت اختلافات جناحهای رژیم، محمد حسن صالحی مرام، مدیر کل اشتغال اتباع بیگانه وزارت کار در همایش سراسری بیمه بیکاری که در شیراز برگزار شد، گفت "نرخ بیکاری ۹ درصد و ۱۰ درصد نیست بلکه نرخ بیکاری ۲۴ درصد است". (سایت عصر ایران آبان ماه سال ۱۳۸۷ نرخ بیکاری ۲۴٪).^{۴۵}

بیکاری، اعتیاد و تن فروشی سه معضل گریبانگیر زنان در ایران

نرخ بیکاری در ایران یکی از بالاترین نرخ‌های بیکاری در جهان است. میزان عرضه کار هیچگاه نتوانسته پاسخگوی تقاضاهای موجود باشد و همین امر به رشد قابل توجه بیکاری در میان جوانان، زنان و افراد تحصیل کرده منجر شده است. عدم اشتغال زنان نیز بعد جدیدی به بحران بیکاری در کشور داده است. همانطور که مرکز آمار درباره کل زنان بیکار و دارای تحصیلات عالی یا متوسط در جوامع شهری و روستایی نشان می‌دهد، ۸۸٫۷٪ نرخ بیکاری در شهرها و ۵۹٫۴٪ نرخ بیکاری در روستاها مربوط به زنان با تحصیلات عالی یا متوسط است.

نرخ بیکاری زنان که در ابتدای دوره دوم ۱٫۵ برابر نرخ بیکاری مردان بود در انتهای این دوره به دو برابر افزایش یافت. در واقع سیاست‌های اشتغال زایی برنامه سوم بیشترین تاثیر را در کاهش نرخ بیکاری مردان داشت. در سال ۱۳۷۵، ۷۱٪ بیکاران زیر سی سال سن داشتند که این نسبت در سال ۱۳۸۲ به ۸۲٪ افزایش یافت. نرخ بیکاری مردان ۱۵ تا ۲۹ ساله در دوره ۱۳۷۵-۱۳۸۲ با ۵٪ افزایش از ۱۴٪ به ۱۹٪ رسید. نرخ بیکاری زنان در همین گروه سنی با ۱۶٪ افزایش از ۲۱٪ به ۳۷٪ رسید، در نتیجه هم نرخ بیکاری بالا رفت و هم فاصله میان نرخ بیکاری زنان و مردان به شدت افزایش یافت.

نتایج یک پژوهش دانشگاهی در مورد ازدواج موقت که در ماه مرداد سال ۱۳۸۹ منتشر شد، حاوی نکاتی است که توجه کارشناسان را به خود جلب کرده است. در این تحقیق از جمله عنوان شده که ازدواج موقت در حال تبدیل شدن به یک شغل برای زنان کم‌درآمد است.

معصومه پریشی دانشجوی جامعه‌شناسی با کمک استاد راهنمایش دکتر شهلا اعزازی پژوهشی را انجام داده در مورد ازدواج موقت. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مشکلات اقتصادی مهمترین دلیل زنان برای تن دادن به اینگونه ازدواج است. بیکاری و کم سوادی این زنان نیز وجه مشترک دیگری بین آنها است. در بخشی از این پژوهش عنوان شده که "تعداد معدودی از این زنان دارای تحصیلات بالا بودند اما به دلیل ساختار تبعیض جنسیتی حاکم بر جامعه» برای ورود به بازار کار دچار مشکل هستند".

شهلا اعزازی می‌گوید: «اصلاً به‌طور کلی تأمین زندگی زنان بیوه و مطلقه را باید از مقوله‌ی ازدواج موقت کنار بگذاریم. من فکر می‌کنم اگر برای این‌ها امکان کار بود، اگر می‌توانستند کار یا درآمدی داشته باشند، یا به نوعی کمک‌ها و پشتیبانی‌هایی به این‌ها ارائه می‌شد، هیچ‌کدام از این‌زن‌ها تن به ازدواج موقت نمی‌دادند. چون خیلی از آن‌ها مسأله‌ی مالی داشتند».

در ادامه شهلا اعزازی شرایط این زنان را اینگونه توصیف می‌کند: «آنچه این‌ها را وادار به ازدواج موقت کرد، شرایط بسیار بد این زنان بود. از لحاظ سواد، سواد کمی داشتند. از لحاظ کار، کاری که می‌کردند پول بسیار کمی بهشان تعلق می‌گرفت. گذشته از این که تعداد زیادشان اصلاً کار نمی‌کردند و کارهای این‌ها بیش‌تر آن کارهایی است که اصطلاحاً در بازار کار ثانویه از آن نام می‌برند. یعنی با درآمدهای کم، بدون مرخصی، بدون بازنشستگی و فصلی یا مرحله‌ای. خیلی از این‌ها بچه‌هایشان هم با آنها بودند و شوهران سابقشان نه نفقه می‌دادند، نه خرج بچه می‌دادند و در مواردی حتی سربار این زنان هم بودند. بنابراین این‌ها برای بقای زندگی خودشان مجبور بودند که راهی را که شرع قبول دارد، انتخاب کنند، این برایشان مهم بود، راهی که به هر حال مذهب قبول دارد. حالا پرس و جویی در این زمینه که خودشان چه قدر مذهبی بودند، نشده بود. اما یک راه شرعی را انتخاب کردند».^{۴۶}

تن فروشی تحت هر عنوانی، ازدواج موقت، قانونی، غیر قانونی، با مجوز دولتی یا بدون آن هیچ تعریفی غیر از فقر و درماندگی ندارد. البته در کشورهای اروپائی تن فروشی مردان را هم نباید نا گفته گذاشت. تنها راهی که هم منبع در آمد " آسان" است و هم همیشه برای آن عرضه و تقاضا وجود دارد

در کنار بیکاری، اعتیاد جوانان و زنان هم یکی دیگر از مشکلاتی است که در چند سال اخیر بعنوان یک معضل اجتماعی برای میلیون‌ها خانواده تبدیل شده است. باندها و گروه‌های رسمی خرید، فروش و توزیع مواد مخدر جمهوری اسلامی از همان سالهای اول با دو هدف اقتصادی و سیاسی نقش اصلی را در اعتیاد مردم دارند. در همین رابطه گفته میشود که تنها طی چهار سال گذشته رشد اعتیاد زنان سه برابر مردان بوده و در حال حاضر براساس آمار رسمی ۶٪ از معتادان کشور را زنان تشکیل می‌دهند. یا به ازای هر ده مرد معتاد، هفت زن دچار اعتیاد هستند.^{۴۷}

آقای سوادکوهی جامعه شناس و استاد دانشگاه یادآور می‌شود که «هر چند آمار دقیقی از میزان جمعیت زنان معتاد در کشور وجود ندارد، اما بر اساس برخی پژوهشها ۹,۶ درصد از معتادان کشور را زنان تشکیل می‌دهند».^{۴۸}

خیزش انفجاری مردم بخصوص جوانان و زنان در خرداد سال ۱۳۸۸ که برای مدت طولانی تیتز اول خبری بزرگترین رسانه های جهانی بود، خشم فرو خورده سی ساله مردم از شرایط عینی زندگی آنها بود. دیکتاتوری و سرکوب یک شاخص سیاسی و تاریخی در کشور ما است. ولی هرگز در هیچ دوره ای از تاریخ سرکوب، زندان، شکنجه، اعدام و ترور کارگران، زنان، دانشجویان، روزنامه نگاران، معلمان و روشنفکران چنین ابعادی نداشته است. سرکوبی که در طول سی سال اخیر در ایران اعمال میشود را نمیتوان از مذهب و اسلام سیاسی که دشمنی ایدئولوژیک با "آزادی" و حق و حقوق انسانی مردم دارد جدا کرد. اما به هیچ وجه نمیتوان خیزش اخیر مردم را تنها و تنها به بعد سیاسی و سرکوب محدود کرد. وضعیت اقتصادی مردم، افزایش سرسام آور قیمت کالاهای مورد نیاز، نرخ بیکاری بیش ۲۴٪ افزایش تعداد کودکان کار و خیابانی، افزایش تن فروشی و بطور کلی فقر و تهیدستی زمینه دیگر خشم و خیزش مردم بود.

در مورد جنبش خود جوش مردم در تابستان گذشته مطالب تحلیلی بسیاری نوشته شده است که نیازی به تکرار آن نیست با وجود این یاد آوری و تکرار چند موضوع بی مورد نیست.

- ارزیابی از روحيات مردم، آمادگی و توانائی آنها در مقابل دستگاه پیچیده و چندگانه سرکوب. این موضوع زمانی اهمیت خود را نشان میدهد که مردم بدون هیچ تشکل و رهبری انقلابی و تنها با فدا

کاری و از خود گذشتگی در مقابل سرکوب و حشيانه اين رژيم بپاخواستند. فقدان رهبري و سازماندهي انقلابي در شعارهاي تکراري، ادامه حرکتهاي پراکند و محدود کاملاً مشهود بود.

- حضور کم نظير، بي سابقه و شجاعانه زنان که تعجب مردم جهان را بدنبال داشت، اوج نارضائيتي زنان از شرايط موجود و "برابري طلبي" آنان را بار ديگر پس از بهمن ۵۷ براي فعالين سياسي، احزاب و گروه ها ياد آور شد. بطوریکه پس از اين حوادث، در تمام بيانيه ها، فراخوانها و اطلاعیه ها مسائل زنان، حق و حقوق آنها پر رنگتر شد. از سوي ديگر شرکت زنان در اين جنبش نشان داد که خواستها و مطالبات آنها فراتر از پيوستن به "کمیسیون رفع تبعيض" و معاملات جريان فرميستي یک ميليون امضاء با اصلاح طلبان اسلامي است.

علاوه بر لزوم تشکل مستقل و راديکال زنان بر عکس تفکري که هنوز حق، حقوق و خواستهاي زنان را ثانوي و به زمان ديگري واگذار ميکند طرح مطالبات برابري طلبانه زنان تمايز صف بنديها و راستاي جنبش آينده را مشخص خواهد کرد.

توضيح

در بعضي از جدولها و گرافها از چندين منبع استفاده شده است. در بعضي از داده هاي آماری برای سهولت کار از شکل گرافیک استفاده شده. در حالی که در منبع اصلي بصورت جدول آمده است.

کتابها و سایتهای مورد استفاده

- 1-
<http://www.statapprendre.education.fr/insee/cons/quoi/tendanceslongues.htm>
http://www.insee.fr/fr/themes/document.asp?ref_id=bdff06#a01
- 2-
http://www.insee.fr/fr/themes/tableau.asp?reg_id=98&ref_id=CMPTEF03309
<http://www.statistiques-mondiales.com/chomage.htm>
Institut national de la statistique et des études économiques
- 3-
http://www.ilo.org/wcmsp5/groups/public/---ed_emp/---emp_elm/---trends/documents/publication/wcms_120471.pdf
Global Employment Trends
January 2010 Page 47
- 4-
La pauvreté
Claude-François Barrat
Presses Universitaires de France 1998
page 33
- 5-
La pauvreté
Presses Université de France 1998
Page 31
- 6-
Géopolitique de l'alimentation
Gilles Fumey
édition 2008
page 113
et
<http://translate.google.com/translate?hl=fr&langpair=en%7Cfr&u=http://www.fao.org/hunger/en/&rurl=translate.google.ch>
ارزیابی FAO برای سال ۲۰۰۹
- 7-
Nourrir l'humanité
Bruno Parmentier
Edition La Découverte 2007, page 287
Et
<http://translate.google.com/translate?hl=fr&langpair=en%7Cfr&u=http://www.fao.org/hunger/en/&rurl=translate.google.ch>
- 8-
La pauvreté
Claude-François Barrat
Presses Université de France 1998
page39
- 9-
http://www.workinfo.com/Workforce/20997_devindicators.pdf
World development indicators
World Bank 2010
Page 70
- 10-
World Development indicators 2009
page 67-68
Pauvreté humaine et pauvreté monétaire
Page 195
http://hdr.undp.org/en/media/HDR_2009_FR_Table_11.pdf
- 11-
Human Development Indices
A statistical update 2008
<http://www.populationdata.net/index2.php?option=palmares&rid=1&nom=IDH>

12

Institut national d'études démographiques de France

http://www.ined.fr/fr/pop_chiffres/pays_du_monde

World population prospects Nations Unies 2009

13-

http://hdr.undp.org/fr/statistiques/acceder/carte_dh/isdh

Rapports sur le développement Human de N-U

Pour 2009

14-

Pauvretés dans le monde

Jean Claude Vérez

Ellipses 2007

Page 89

15-

<http://www.asrefarda.com/component/content/article/42-rightnews/6388-news.html>

<http://www.tabnak.ir/fa/pages/?cid=78533>

<http://www.niksalehi.com/public/archives/002408.php>

16-

Pauvretés dans le monde

Jean-Clause Vérez

Ellipses Edition 2007

Page 86

Source : INSEE, Recensement de la population 2006

<http://www.melchior.fr/Corrige.10476.0.html>

17-

Etat du monde les enfants

Special Edition

Célébration des 20 ans de la convention sur les droits de l'enfant

Raport de Unicef en 2009 Page 3

Et

http://translate.google.com/translate?hl=fr&langpair=en/fr&u=http://www.unicef.org/rightsite/sowc/pdfs/statistics/SOWC_Spe

Page 5

http://www.unicef.org/statistics/index_countrystats.html

18-

Unicef, Report sur la pauvreté des enfant 2005

Pauvreté dans le monde page 88

Ellipses 2007

http://www.inegalites.fr/article.php?id_article=327

<http://www.inegalites.fr/spip.php?article302>

19-

<http://translate.google.ch/translate?hl=fr&langpair=en%7Cfr&u=http://childrenofiran.wordpress.com/about/child/-poverty>

20-

Intensifier la lutte contre le travail des enfants

CONFÉRENCE INTERNATIONALE DU TRAVAIL

99e session, 2010

Page 8

http://www.ilo.org/wcmsp5/groups/public/---dgreports/---dcomm/documents/publication/wcms_126691.pdf

21-

La situation des enfant dans le monde

Raport UNICEF 2006 pag 17

Et

http://www.unicef.org/french/sowc06/pdfs/sowc0506_eps_charts.pdf

Figure 3.6

22-

BIT ou ILO

Intensifier la lutte contre le travail des enfants

Rapport global en vertu du suivi de la Déclaration de l'OIT

relative aux principes et droits fondamentaux au travail 2010 page 5 Tableau 1.3. et 6 Figure 1.2a.

http://www.ilo.org/wcmsp5/groups/public/---dgreports/---dcomm/documents/publication/wcms_126691.pdf

23-

http://translate.google.ch/translate?hl=fr&langpair=en%7Cfr&u=http://www.childinfo.org/labour_education.htm

!

24-

http://translate.google.ch/translate?hl=fr&langpair=en%7Cfr&u=http://www.childinfo.org/labour_education.htm

!

Rapport de l'Unicef en 2009

25-

CONFÉRENCE INTERNATIONALE DU TRAVAIL

Intensifier la lutte contre le travail des enfants

Rapport du Directeur général Rapport global en vertu de la Déclaration de l'OIT

relative aux principes et droits fondamentaux au travail

BUREAU INTERNATIONAL DU TRAVAIL GENÈVE

CONFÉRENCE INTERNATIONALE DU TRAVAIL

99e session, 2010

Page 8

http://www.ilo.org/wcmsp5/groups/public/---dgreports/---dcomm/documents/publication/wcms_126691.pdf

26-

Le travail des enfants dans le monde

Bénédicte Manier

Edition La Découverte

Paris 2003

Page 10 et 13

27-

http://www.unicef.org/french/sowc06/pdfs/sowc0506_eps_charts.pdf

Figure 3.5

Et

<http://www.autresbresils.net/ancienne%20version%20du%20site/ANALYSES/exploitsex.htm>

28-

Le travail des enfants dans le monde

Bénédicte Manier

La Découverte paris 2003, page 32

29-

<http://www.magiran.com/npview.asp?ID=1516109>

30-

<http://www.alborznet.ir/Fa/ViewDetail.aspx?T=2&ID=152>

منبع مرکز آمار ایران

31-

<http://96.0.88.207/?p=470>

Et

<http://www.mardomsalari.com/template1/News.aspx?NID=33532>

Le travail des enfants dans le monde

Bénédicte Manier

La Découverte paris 2003, Page

Et

<http://www.ommid.com/fa/pages/?cid=355>

32-

<http://bridge.blogfa.com>

33-

<http://www.peiknet.com/1384/05aban/page/489kudak.htm>

et

<http://www.novinnews.com/article.asp?id=359&cat=61>

34-

<http://www.khabaronline.ir/news-1554.aspx>

35-

Tendances mondiales de l'emploi des femmes

Mars 2009 page 9

http://www.ilo.org/wcmsp5/groups/public/---dgreports/---dcomm/documents/publication/wcms_105176.pdf

Et

Women in labour markets:

Measuring progress and identifying challenges

page 35

http://www.ilo.org/wcmsp5/groups/public/---ed_emp/---emp_elm/---trends/documents/publication/wcms_123835.pdf

36-

Women's Empowerment: Measuring
the Global Gender Gap

http://www.weforum.org/pdf/Global_Competitiveness_Reports/Reports/gender_gap.pdf

Page 14

<http://www.weforum.org/pdf/gendergap/report2009.pdf>

37-

<http://data.worldbank.org/indicator/SL.AGR.EMPL.FE.ZS?display=default>

38-

ILO

GLOBAL EMPLOYMENT

TRENDS January 2010

page 53

http://www.ilo.org/wcmsp5/groups/public/---ed_emp/---emp_elm/---trends/documents/publication/wcms_120471.pdf

39-

Conférence internationale du Travail, 98e session, 2009

L'égalité entre hommes et femmes au cœur du travail décent, page 132, figure 6.6.

http://www.ilo.org/wcmsp5/groups/public/---ed_norm/---relconf/documents/meetingdocument/wcms_106240.pdf

40-

<http://donnees.banquemondiale.org/indicateur/SL.UEM.1524.FE.ZS>

41-

L'égalité entre hommes et femmes au cœur du travail décent
2009 page 28

http://www.ilo.org/wcmsp5/groups/public/---ed_norm/---relconf/documents/meetingdocument/wcms_106240.pdf

42-

http://www.inegalites.fr/spip.php?article1192&id_mot=125

Eurostar

43-

The Global Gender Gap Report 2009

World Economic Forum page 114

<http://www.weforum.org/pdf/gendergap/report2009.pdf>

44-

http://www.amar.org.ir/Upload/Modules/Contents/asset0/nirokar/chekide/salane/chekide_88.pdf

Page 5

45-

<http://www.asriran.com/fa/news/55019/%D9%86%D8%B1%D8%AE-%D8%A8%DB%8C%D9%83%D8%A7%D8%B1%DB%8C%D8%8C-24-%D8%AF%D8%B1%D8%B5%D8%AF>

46-

<http://www.dw-world.de/dw/article/0,,5907605,00.html>

47-

<http://www.fararu.com/vgldz90k.yt0sfyl22fa6y.h.html>

48-

<http://www.vista.ir/?view=article&id=285016>